

تاریخ و تاریخنگاری



جریانات فکری و فرهنگی در دنیای اسلام

سید کاظم روحانی

پیشگفتار:

آشنایی با ویژگیهای نهفت‌ها در کشورهای اسلامی کاری است بسیار ضروری و واجب، خصوصاً با رستاخیز و خیزشی که اکنون همه کشورهای اسلامی را فرا گرفته، علاقمندان به نهضت‌های اسلامی را بر آرزو می‌دارد تا در این زمینه آگاهی بیشتری یابند و از تجربیات گذشتگان عبرت گیرند، که در حقیقت تاریخ خود عبرت از گذشتگان است.

جهان اسلام و مسلمین در سیر تاریخ و قرون، فراوان و نشیب‌هایی را گذرانده و در کنار پیروزیها و فتوحات ضربات سختی را هم متحمل گردیده است.

از آنجا که اندیشه اسلامی یک اندیشه جهان‌شمول و بین‌المللی است، زمینه برخورد فکری سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌نماید. و بر همین اساس جهادگران مسلمان از سوئی تا ترکستان و از سوی دیگر تا فرنگ پیش‌رفته‌اند و تاریخ دنیای اسلام مشحون است از شکست‌ها و پیروزی‌ها، وقایعی که زمانی سبب مسرت و گاهی هم مایه حسرت و اندوه بوده است.

خبر فتح قسطنطنیه و برخواستن صدای تکبیر از کلیسای بزرگ آن شهر، آنچنان مسلمانان جهان را به شوق آورد که از همه گلدسته‌های مساجد بیلاد

جریانه‌های فکری و فرهنگی در امپراطوری عثمانی

این مقال بررسی نهضتها در امپراطوری عثمانی - بویژه در ترکیه - را عهده دارد، بدان جهت که این دولت از ترکیه تا شبه جزیره بالکان واز کشورهای عربی خاورمیانه تا شمال آفریقا را شامل می شده است. یادآوری این نکته ضروری است که وقتی سخن از

نهضتها می رود، تمامی جهت سیاسی، فکری، فرهنگی و دینی آن مد نظر می باشد که هر کدام از آنها باید جداگانه بررسی گردد.

در حقیقت نوشتاری که در پیش روی دارید بخش اول از بررسی نهضت های زیر است که از چند بخش جداگانه و در همین حال مربوط به هم تشکیل شده است.

۱- نهضتهائی که در امپراطوری عثمانی خصوصاً در ترکیه روی داده است. (نوشته حاضر)

۲- نهضت های شمال آفریقا (مصر- الجزایر- مراکش و تونس)

۳- نهضت های خاورمیانه عربی (سوریه- عراق- لبنان)

۴- نهضت های واقع شده در ایران از سید جمال الدین اسدآبادی به بعد.

۵- نهضت های افغانستان (از زمان اشغال انگلیسی ها به بعد تا نهضت کنونی مسلمانان افغانستان).

۶- نهضت های هند و پاکستان.

۷- ماوراءالنهر و ترکستان (مقاومت مسلمانان روسیه علیه رژیم فاشیستی کمونیست ها).

۸- آذربایجان شوروی (الهام شیخ شامل و دیگران)*

اسلامی به مینمعت این فتح، ندای تکبیر سر دادند. واز سوی دیگر حمله وحشیانه مغول نیز آنچنان سبب بلا و مصیبت برای مسلمانان شد که تا سالیان سال آثار این مصیبت عظمی برجای ماند.

بعد از فتح لسلطنطیه (استانبول) در سال ۱۴۵۳ میلادی موازنه سیاسی جهان آن روز، به ویژه شرق

اسلامی، به نفع مسلمانان بهم خورد، عثمانی ها که در آسیای صغیر (ترکیه فعلی) دولتی مقتدر و نیرومند

تشکیل داده بودند، با تاکتیگهای سیاسی، نظامی و حمایت فقهای اهل سنت، همان قدرتی را بوجود آوردند که سلاجقه در قرن پنجم در ایران داشتند.

این دگرگونی سیاسی و نیرو گرفتن دولت عثمانی

برای اروپائیان خطری بس بزرگ به شمار می آمد و سالیان دراز سبب وحشت اروپائیان شد. در حقیقت

پیروزی مسلمانان، ادامه مبارزه اهل صلیب و مسیحیت با جهان اسلام بوده است و نشان دهنده ادامه جنگهای

صلیبی* و در حقیقت مبارزه علیه اسلام.

حکومت عثمانی، اگر چه دولت مطلوبی نبود

و نمی توان آن را یک حکومت اسلامی تلقی کرد، اما واقعیت این است که باید موقعیت سیاسی، نظامی

و فرهنگی آن روز آن را در برابر تعصبات اروپائیان مسیحی مذهب در نظر گرفت، از اینرو حضور عثمانیها

در اروپا (شبه جزیره بالکان) سبب وحشت و حتی اتفاق آنان علیه مسلمانان می گردیده است.

آشنایی با نهضت های سیاسی- مذهبی و فکری مسلمانان از قرن هجدهم به بعد، خود وسیله ای است

تا علاقه مندان بدانند که مسلمانان در این مبارزه چه اسلوب و روشی را اتخاذ نموده و اصولاً زمینه و بستر این

نهضت ها از کی واز کجا شروع شده و چه اهدافی را در پی داشته و چه نتایجی به بار آورده است و استعمار

فرهنگی و فرهنگ استعماری چه نقشه هایی جهت به انحراف کشاندن حرکت های اصیل اسلامی به کار برده

است.

بیداری مسلمانان و تلاش آنان جهت رهائی، در حقیقت مبارزهای بوده است علیه استبداد حکام

ستم باره و ظالم.

* گمان نرود که جنگ های صلیبی پایان یافته، بلکه هنوز هم مسیحیت با نیرنگ های تازه و به عنوان دفاع از انسانیت و انسان پرستی به جنگ اسلام و مسلمین آمده است. در این زمینه نگاه کنید به کتاب دومذهب تألیف سیدهادی خسروشاهی.

* این تقسیم بندی تقریباً الهامی است از طرح برنامه ریزی دوره لیسانس تاریخ ستاد انقلاب فرهنگی در رابطه با درس نهضت های سیاسی- فکری و مذهبی دنیای اسلام از قرن هجدهم به بعد، هم چنین از مقالات دکتر ضیا کاواک چی در زمینه دنیای اسلام، چاپ استانبول.

۱- آشنائی با نهضت‌های قلمرو امپراطوری عثمانی:

برای آشنائی بیشتر با نهضت‌ها و قیامها در امپراطوری عثمانی، شناخت ویژگیها و سیر تاریخی این دولت ضروری است.

غالب نهضتها در این امپراطوری تا قرن هجدهم جنبه سیاسی داشته^(۱) و در حوزهای محدود بوده است و از حرکت‌های فکری ویا فرهنگی در آن خبری نبوده و چنانچه گهگاه برخی از دانشمندان ویا علمای بیدار در صدد روشنگری برمی آمدند با تکفیر شیخ الاسلام‌های اهل تسنن روبرو می گردیدند.

نهضت‌های سیاسی در این دوران اغلب قیامها^(۲) بوده‌اند بر علیه حکومت وقت، یا شورش‌هایی از سوی حکام ولایات علیه سلطان، یا صدر اعظم یا احياناً قیام سپاهیان جهت گرفتن حقوق و مزایای بیشتر. از اواسط قرن هجدهم نهضت‌ها جنبه سیاسی- مذهبی و احياناً فکری- اجتماعی پیدا نموده که در صفحات آینده به تفصیل خواهد آمد.

عثمانیها، پیش از آنکه به صورت یک دولت مقتدر درآیند* امیرنشین کوچکی بودند که پایتخت آنان شهر بورسا بود. ولی با مبارزه علیه امیرنشین‌های دیگر آناتولی (آسیای صغیر= ترکیه)، بر وسعت اراضی خویش افزودند و خطری برای دولت بیزانس محسوب شدند. آل عثمان (عثمانیها) با فتوحات تازه و تقویت جهات نظامی و سیاسی بویژه با تأسیس سپاهی به نام ینی چری و فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ میلادی گسترش یافت^(۳) و به صورت حکومتی قدرتمند در آسیای صغیر درآمد ویا تنصرف کشورهای بالکان (یونان، بلغارستان و قسمتهائی از یوگسلاوی)، توسط جنگجویان خود، شهرتی به سزا در اروپا کسب نمود.

برای آنکه با روند جریانات سیاسی و تاریخی امپراطوری عثمانی آشنائی و شناخت بیشتری حاصل آید، به سیر ادواری و تاریخی دولت عثمانی اشاره می گردد، هر چند در باب تقسیم این دوره‌ها میان اهل نظر و تحقیق

اتفاق نظر موجود نیست. اما مشهورترین تقسیمی که دوره‌های مختلف حکومت عثمانی نموده‌اند به شرح ذیل است:

دوره اول: دوره تأسیس، از سال ۱۲۸۱ تا ۱۵۳۰ میلادی، یعنی سال فتح قسطنطنیه در این دوره حکومت عثمانی از نظر سیاسی و گسترش جغرافیائی اهم چندانی نداشت.

دوره دوم: از سال ۱۴۵۳ به بعد، یعنی در حکومت سلطان محمد فاتح که فتح قسطنطنیه در زمان همین پادشاه روی داد و آن را از بزرگترین حوادث دنیای اسلام و شرق و حتی اروپا تلقی نموده‌اند.

دوره سوم: از سال ۱۴۵۴ تا ۱۵۹۳، دوره آغاز گسترش و فتوحات عثمانیها، یعنی عهد سلطان سلیم صغری است. عصر سلطان سلیمان قانونی را عصر عظمی و شکوه عثمانیها دانسته‌اند. (عصر فتوحات).

دوره چهارم: دوره توقف فتوحات، یعنی از سال ۱۵۹۳ تا ۱۶۸۳.

دوره پنجم: دوره شکست دولت عثمانی در اروپا سال ۱۶۸۳ تا ۱۷۸۹. ایندوره از نظر درهم شکستن قدر و نفوذ نظامی عثمانیها حائز اهمیت است.

دوره ششم: عصر ضرورت اصلاحات فرهنگی و سیاسی، یعنی از سال ۱۷۸۹ تا ۱۸۴۰ (حدود پنجاه سال)*.

دوره هفتم: عصر تنظیمات، یعنی توجه به قانون و تقلید از غرب، از سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۷۰ میلادی (حدود سی سال) در این باره به تفصیل سخن گفته خواهد شد.

دوره هشتم: عصر استبداد سلطان عبدالحمید عثمانی، از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۰۸.

دوره نهم: عصر مشروطیت اول که عده‌ای مورخین، این دوره را بسا دوره هشتم یک دوره تعلق کرده‌اند.

عثمانی را به جهت این که جد این طایفه، عثمان نام داشت به نام دولت عثمانی نامیدند و در اصل ترکمانانی بودند که از جنگ ملاذگرد در زمان سلاجقه به آسیای صغیر کوچیدند و از طرف سلاطین سلاجقه روم صاحب زمین و امارت گردیدند. بعدها همین امیرنشین کوچک و محلی تبدیل به امپراطوری بزرگ گردید. نگاه کنید به کتاب:

خلیل ایمن‌الجاق: امپراطوری عثمانی چاپ استانبول، ج اول.

* در این نوشتار از دوره ششم به بعد سخن گفته خواهد شد. یعنی اوایل قرن هجدهم و قیامی که در امپراطوری عثمانی روی داده است بدیهی است کل جریانات سیاسی، مذهبی و فکری در امپراطوری عثمانی از زمان تأسیس تا انحطاط جداگانه باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

جامعه عثمانی حاکم بود، هر چند بعضی از محققین تاریخ عثمانی، اطلاق اصطلاح فتووالیزم را در باره نحوه نظام اقتصادی حکومت عثمانیها صواب نمی‌دانند.

تضاد ساخت فرهنگی: از جهات فرهنگی تضاد فراوان مشاهده می‌شود، از جمله دوگانگی مذهبی و فرهنگی، نحوه آموزش زبان، نحوه اداره مدارس مذهبی مسیحی و مسلمان.

۳- زمینه تاریخی نهضت‌های سیاسی-مذهبی-فکری در کشورهای اسلامی: (۶)

سقوط خلافت عباسی و قبل از آن حمله مغولان غارتگر، هم از نظر سیاسی و هم از نظر معنوی ضربهای بر پیکر دنیای اسلام بود، هر چند خلفای عباسی (بهتر است گفته شود سلاطین عباسی) راه و روش و سنت پیامبر را به فراموشی سپرده بودند، اما دگرگونی موازنه قدرت به دست بازماندگان جنگیز و از بین رفتن نفوذ معنوی اسلام چیزی بود که مسیحیت سالهای طولانی در آرزو و جستجوی آن بوده^(۷). در حقیقت حمله مغول و استیلای آنان بر بلاد اسلامی، زمینه انحطاط فکری و فرهنگی کشورهای اسلامی را فراهم کرد و آثار و صدمات آن سالهای دراز برجای ماند.

همزمان با سقوط خلافت عباسی و سقوط اسماعیلیان در الموت، بساط حکومت اندلس اسلامی رم در اثر دسیسه‌های طولانی دول مسیحی برچیده شد و این خود ضربهای دیگر بر جامعه مسلمانان بود. اروپائیان از طریق اسپانیای اسلامی و دانشگاههای پربار و علمی آن که نشانگر عظمت و اعتلای تمدن اسلامی بوده در جستجوی راههای تازه‌ای در علم و دانش برآمدند. در واقع آثار

دوره دهم: عصر مشروطیت دوم، از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۲۴ در پایان این دوره (۱۹۲۴) جمهوری ترکیه اعلام و در نتیجه امپراطوری عثمانی منقرض گردید و نفی کمال پاشا با عنوان آتاتورک به نام اولین رئیس‌جمهوری ترکیه سوگند یاد کرد، او با پذیرش غرامت جنگی بین در جنگ جهانی اول به دستور دولتهای استعماری (روس و انگلیس و غیرمستقیم آمریکا)، از مستملکات عثمانی چشم پوشید. در حقیقت سقوط امپراطوری عثمانی را می‌توان نتیجه دسیسه‌ها و تحریکات دول اروپائی دانست، که باعث ضربهای بزرگ برای مسلمین گردید.

علل و عوامل اصلی نهضت‌ها در امپراطوری عثمانی:

از قرن هجدهم میلادی به بعد، عواملی چند سبب قیامها در امپراطوری عثمانی گردید که ناشی از تضاد مالف حاکم بر حکومت بود، از جمله:

تضاد ساخت سیاسی: یعنی عدم انسجام و ارچگی در درون حکومت و نحوه اداره آن.

تضاد ساخت اداری: اختلاف و تضاد در نحوه اداره‌های کشور و ایالات وابسته (۸)

تضاد ساخت نظامی: مبارزه بینی چری‌ها (سپاهیان بی‌سربازان ثابت و غیرثابت حکومت و تسبیض در حقوق و سربازان ثابت و غیرثابت حکومت.

تضاد ساخت دینی: گذشته از فرقه‌های مختلف می، در امپراطوری عثمانی، مسیحیان زیادی هستند که دولت به آنها به چشم رعایا می‌نگریست و زیادی به آنان روا می‌داشت که همین امر بارها سبب ش آنان شده بود. در این میان شیعیان آسیای صغیر به سبب ارتباط و تعلق خاطر به دولت صفوی علیه دولت مرکزی دست به قیامهایی می‌زدند. (۹)

تضاد ساخت اقتصادی: امپراطوری عثمانی چه از نظر زمین‌داری و چه از نظر ساخت اقتصادی، سیاست و بوب واحدی نداشت و در حقیقت نوعی فتووالیزم بر

* این تقسیم‌بندی در زمینه ادوار تاریخ عثمانی مورد تأیید صاحب نظران تاریخ عثمانی است، از جمله مرحوم پروفیسور گوک بیلگین، یئوئارد لوتیز و خلیل ساحل لی اوغلو و غیره.
* برخی اسناد تاریخی نشان می‌دهد که حمله مغولان به بلاد اسلامی در اثر تشویق مسیحیان بوده و حتی روابطی هم میان خانهای مغول و پاپ‌ها برقرار بوده است. نگاه کنید به تاریخ مغول در ایران تألیف اشپوبر ترجمه میرآفتاب.

اندیشمندان اسلامی زمینه را جهت بیداری اروپائیان و مسیحیان آماده ساخت که نمونه بارز آن نهضت‌های دینی کالون و لوتر، نهضت رنسانس و اکتشافات جغرافیایی و دریایی بود.^۵

در همین زمان، در شرق اسلامی - خصوصاً آسیای صغیر - حادثه‌ای رخ داد که در تحولات فرهنگی غرب بی‌تأثیر نبود و در حقیقت صحنه سیاسی و موازنه قدرت را در اروپا و آسیا بهم زد و آن فتح قسطنطنیه بود که به دست سلطان محمد فاتح روی داد. فتح قسطنطنیه (یا استانبول) اگرچه التیامی بود بر زخم‌های مسلمانان که با حمله مغول بر پیکر بلاد اسلامی وارد شده بود، ولی عواقب و اثرات سیاسی آن خیلی بیشتر از جنبه‌های دینی و معنوی آن بود.

فتح قسطنطنیه آثاری برجای گذاشت و دولت عثمانی را به عنوان یک دولت اسلامی در خاورمیانه شناساند و این امری بود که اروپائیان را خوش نیامد.

فتح قسطنطنیه، چند حادثه و جریان تاریخی به دنبال داشت که عبارت بودند از:

- الف - اکتشافات جدید جغرافیایی.
- ب - ایجاد زمینه نفوذ استعمارگران در شرق اسلامی.
- ج - آماده شدن زمینه روشنگرایی دینی در اثر آشنا شدن با آثار دانشمندان اسلامی از طریق اندلس (اسپانیای اسلامی) و شمال آفریقا (دانشگاه الزيتونیه)^(۷).

همزمان با بیداری غرب، پیروزی سیاسی صفویها در ایران، انعکاس عمیق در غرب برجای گذاشت و این پیروزی نه فقط از نظر استیلای شیعیان و قزلباشان و استقرار وحدت ملی و تشکیل دولت مستقل شیعی مذهب، بلکه بدان جهت که صفویان در شرق اسلامی در برابر دولت عثمانی مقاومت کرده بودند و سالیان دراز - دانسته یا ندانسته - به عنوان دفاع از حریم اسلام، جاهلانه به جان هم افتادند که در نتیجه استعمارگران اروپائی از این حادثه سود بردند. دول عثمانی و صفوی به جای استفاده از اکتشافات جدید علمی و مفتوح نگهداشتن مرزهای کشور به روی ترقیات و پیشرفتهای صنعتی، دست به جنگ خانگی زدند

که سالیان دراز مسلمین را به خود مشغول داشت. در این میان، باید از اثرات انقلاب کسبیر فر (۱۷۸۹) و انقلاب ۱۸۴۸ اروپا که اثرات فراوانی بر اسلامی گذاشت، یاد کرد. طبیعی است که دولت عثمانان جهت هم‌مرز بودن با اروپائیان، زودتر و بیشتر تحت‌تأثیر این دو انقلاب قرار گرفت.

دو قرن اخیر تمامی شرق اسلامی دستخوش نهضت‌های حرکتی بیدارگرایانه بوده است. و نهضت‌های امپراطوری عثمانی نیز روی داد، این نهضت‌ها چند جهت داشته است که عبارتند از:

- ۱- نهضت‌های سیاسی.
- ۲- نهضت‌های سیاسی - مذهبی.
- ۳- نهضت‌های فکری - فرهنگی - اجتماعی^(۸).
- ۴- نهضت‌هایی که علیه رژیم عثمانی روی داد و بسیم از سوی رعایای مسیحی امپراطوری، جهت رهائی از ظلم ستم بوده است.^(۹)

تأثیر اندیشه اسلامی بر حرکت‌های سیاسی و حتی علمی اروپا - اندیشمندان غربی اعتراف کرده‌اند. بعنوان نمونه: ویل دورانت م‌بزرگ غرب، به این نکته دقیقاً توجه نموده و تحول علمی اروپا را حاستفاده از آثار بوعلی سینا - ابن رشد - ابن حزم و دیگر می‌داند. در این زمینه - چند کتاب ذی‌مراجعه کنید:

- با ضعف مسلمین دنیا در خطر سقوط. ترجمه مصطفی زمانی. علق عقبماندگی مشرق زمین. ناصر مکارم شیرازی. دو مذهب. سیدهادی خسروشاهی.
- اندلس سرزمین خاطرها. سید علی محقق.
- علل پیشرفت اسلام و عقبماندگی مسلمین: زین‌العابدین قربانی.
- تاریخ تمدن اسلام و عرب. گوستاولوبون، ترجمه فخر داعی.

* * * امپراطوری عثمانی پس از تسلط بر استانبول بر کشورهای بال‌هم به عنوان جهاد با دول غیراسلامی دست یافت و در حقیقت آن بلافاصله دارالکفر می‌نامید و سالیان دراز، یونان، رومانی، بلغارستان، آلبانان، قسمتهایی از لهستان در اختیار عثمانیها بود و ترکان مهاجر از آناتولی به آن نواحی رفته و اقامت می‌نمودند. تسلط طولانی و تاریخی عثمانیها بر بالکان سبب شد که فرهنگ اسلامی در آن نواحی گسترش یابد و هنوز هم خاطره حاکمیت مسلمانی بر صوفیه، بلغراد، تیرانا، سلانیک، وارنا و بخارست مشهود است و مسلمانان در آنها نشان دهنده خاطره حیات گذشته‌ای شکوهمند است گفتنی است که اکنون ترکان مسلمان در یونان، بلغارستان، یوگسلاوی، آلبانی تحت سخت‌ترین شرایط روحی و دور از هر گونه حقوقی مدنیت‌

(ترکیه) توسط فردی به نام قره یازیچی در شهر آدانا در جنوب ترکیه صورت گرفت^(۱۱) که ادامه قیام شاه لکود در شهر تکه بود و هدفشان پیوستن و الحاق به دولت صفوی تلقی گردید. البته عواملی چند در تکوین این قیام مؤثر بود که عبارتند از:

۱- ممنوعیت مهاجرت شیعیان آناتولی به ایران از سوی دولت عثمانی*؛

۲- ارتباط این نهضت با شیعیان سوریه و لبنان.

۳- اعلان اراضی جنوب ترکیه به عنوان املاک خاصه پادشاه عثمانی که در حقیقت مردم با این فرمان جزء رعایای سلطان به شمار می آمدند.

این قیام به جهت درگیریهای صفویه در داخل و نرسیدن کمک به مبارزین و گرفتاریهای قزلباشان و عدم حمایت شهرهای دیگر سرکوب شد، ولی چیزی نگذشت که چند سال بعد قیامی دیگر در شهر سیواس به رهبری پسر سلطان ابدال به وقوع پیوست، سیواس شهر شیعیان و

هریک از این نهضتها با وجود داشتن وجوه مشترک از مبارزه و غیره، دارای ویژگیهایی نیز بوده است. مثلاً قلمرو شرق امپراطوری عثمانی، یعنی مراکز هممرز با آن (دولت صفوی) به جهت شیعی بودن مردم آن بارها دولت مرکزی قیامهایی روی داده است. در حقیقت، دور دولت صفویه در ایران و تعارض و تخالف سیاسی- سیاسی آنان با عثمانیها و حضور صدها هزار تن از مؤیدان پادشاه صفوی در آناتولی، همه و همه سبب بروز قیامها و نهضتهایی در قلمرو عثمانی گردیده بود. بسیاری از آنانی که در زمینه نهضتهای شیعه در آناتولی مطالعه کرده اند. این حرکتها را به عنوان نهضت مقاومت و آزادی تلقی کرده اند.*

دولت عثمانی، از دو تاکتیک کلاسیک اما بی روح

ت درهم کوبیدن این نهضتها استفاده می نمود: (۱۰)

الف - شیوه نظامی: ارسال قوا و قشون- خصوصاً جریها- به مراکز قیام، مانند: شهرهای سیواس، شمش، انطاکیه، یوزگات، ارزنجان، دیاربکر، وان.

ب- شیوه دینی: گرفتن فتوا از شیخ الاسلامها* به این مضمون که این افراد مبارز عاصیان علیه نظام اسلامند و حتی جهت انحراف افکار عمومی و تحریک عوام، دولت مرکزی، قیام کنندگان را راهزن می نامید.

واقعیت این است که براساس آنچه منابع تاریخی نشان دهد این قیامها علاوه بر نقش فعال دولت صفوی در ماندگی و گسترش آنها ریشه در بستر تاریخ خونبار منطقه دارد. و جالب اینکه نه فقط در آناتولی، بلکه در مناطق (فلسطین، سوریه، لبنان، اردن)، هم قیامهایی از سوی شیعیان به وقوع پیوسته که با قیامهای آناتولی ارتباط نبوده است. در این میان، از سوی برادران اهل بیت نیز در چند شهر، علیه حکومت مستبدانه عثمانیها نهضتهایی چند روی داده که البته به گستردگی قیام شیعیان منطقه است.

قیامهای شیعیان:

یکی از معروفترین قیامهای شیعیان در آناتولی

اجتماعی زندگی می کنند و چکمه های فاشیستی مارکسیستها در آن دیوار بر روی مسلمانان محروم اما مقاوم سنگینی می کند. بقول استاد شهید مطهری کمونیسم و کاپیتالیسم هر دو به جنگ اسلام آمدند، اما به تاکتیکهای مختلف. در این زمینه بهترین مقاله در روزنامه ذیل آمده است: Milli Gazete; Bulgaristan, da Ezilen Turk Moslunanlar درباره جنایات کمونیستها در شهرهای مسلمان نشین ترکستان شوروی در جزوهای جداگانه بحث خواهد شد.

* عثمانیها به شدت از قیام شیعیان آناتولی به جهت علاقه آنان به خاندان صفوی هراس و وحشت داشتند.

در آرشیه دولتی ترکیه در استانبول اسنادی موجود است که هنگام ورود سفیران ایران به دربار عثمانی به استانبول، دولت مرکزی به حکام ولایات دستور می دهد تا سفیران را شبانه از شهرهای شیعه نشین عبور دهند. در این زمینه رجوع شود به کتاب:

Dr. B.S. Kutukoglu: Osmanli- Safevi Siyasi

Manasebetleri, Istanbul, 1966.

Bu bakanlik Arsivi, Istanbul VC

Topkapi Sarayi Muzesi Arsivi.

* مانند فتاوی ابوسعود ائندی که در آرشیه دولتی استانبول اصل و متن فتاوا موجود است.

* در این زمینه سلاطین عثمانی به حکام ولایات دستور اکید داده اند. نگاه کنید به محمد جودت: عثمانلی تاریخی. و احمد راسم. تاریخ عثمانی ج سوم.

قزلباشان، مرکز این قیام بود. چند عامل در تحقق این نهضت دخالت داشتند: ستم پادشاهان و وانیان عثمانی بر شیعیان، فقر و تهیدستی مردم، علاقه مردم این نواحی به اهل بیت عصمت و خاندان پیامبر (ع) و حمایت شاهان صفوی از شیعیان ترکیه.

پسر سلطان ابدال، درویش و عارفی بسود و ارسته و مهاجر از بلاد ترکستان. مدت‌های طولانی در شهرهای ایران خصوصاً خراسان، به سیاحت و سیر و سلوک پرداخته بود و گذشته از ارتباط سیاسی و دینی با صفویان از عاشقان و مشتاقان خاندان پیامبر (ع) و تشیع به شمار می‌رفت و همچنین با شیعیان آناتولی که مخالف دولت مرکزی بودند بی‌ارتباط نبود.

اصولاً دولت عثمانی، به تمام نهضت‌های شرق ترکیه به جهت شیعی بودن آنها، به دیده بدبینی می‌نگریست و در حقیقت، قیام پسر سلطان ابدال، ادامه قیام شیعیان آناتولی به منظور رهائی از ستم حکومت به شمار می‌آمد و مبارزهای بود علنی و آشکار. اگر چه نهضت پسر سلطان ابدال با شکست روبرو شد، ولی اثرات آن سالها بعد بر جای ماند و هنوز هم خاطره مبارزه این عارف شهید شیعه در ترکیه برجاست و شهر سیواس یادآور مبارزه مردی است که در راه عشق به اهل بیت عصمت (ع) مرگ را عاشقانه و قهرمانانه پذیرا شد.

۵- علل نهضت‌های سیاسی، دینی و فکری در قرن‌های

۱۹ و ۲۰:

مهمترین عللی که سبب بروز نهضت‌ها در امپراطوری عثمانی گردید به شرح زیر است:

۱- استبداد سیاسی پادشاهان: پادشاهان عثمانی با آنکه خود را هم سلطان و هم خلیفه مسلمین می‌دانستند، برای بقای خود از هیچگونه ستمی به مردم خودداری نمی‌کردند، روش مستبدانه و جابرانه آنها از علل اصلی این نهضت‌ها بوده است.

۲- فشار بر اقلیت‌های مذهبی که شامل شیعیان و اقلیت‌های

مذهبی اهل کتاب بویژه مسیحیان می‌شد.

۳- چند گونگی اداره مملکت: قبلاً توضیح داده شد بعضی از ایالات از املاک خاصه سلطان بودند و برخی صورت خودگردان اداره می‌شدند و پاره‌ای از استقلال داخلی داشتند و فقط مالیات به دولت مرکزی می‌دادند و برخی از ایالات هم ملک خاصه پا شاهان (املاک محلی) بود، که این امر خود انتظام حکومت را در می‌ریخت و سبب نارضایتی مردم می‌شد.

۴- تحولات سیاسی و فکری در اروپا بخصوص با انقلاب کبیر فرانسه و رقابت دولت‌های اروپائی (فرانس، انگلیس، روسیه تزاری- پروس)، جهت تصرف شرق است که در تاریخ اروپا به عنوان مسئله شرق، تلقی گردیده است. ۵- فشار نظامی بر دولت عثمانی از سوی اروپائیان و خوردن موازنه سیاسی اروپا با قدرت یافتن امپراتوری پروس و تعقیب سیاست تضعیف دولت عثمانی.

توضیح این نکته ضروری است که دول اروپائی با از نظر سیاسی و منافع اقتصادی باهم رقابت بی‌سابقه داشتند، ولی در برابر تضعیف حکومت عثمانی هم متحد بودند.

۶- ابعاد نهضت‌ها:

الف: نهضت‌های واقع شده در امپراطوری عثمانی:

۱- نهضت‌های شیعیان که قبلاً توضیح داده شد.

• اشعاری که پسر سلطان ابدال در مدح خاندان پیامبر و دوازده (علیهم السلام) سروده، در نمونه خود از زیباترین ادبیات شیعی به می‌آید. گذشته از آن در ادبیات عامیانه هم پسر سلطان ابدال جلالی را داراست و شیعیان آناتولی هر سال خاطره شهادت او را به نمودن مراسم زنده نگه می‌داشتند. نحوه شهادت او شباهت فراوانی با شهادت زهدین علی (ع) و شهید اول و شیخ شهید فضل‌الله نوری است. سلطان ابدال از درخشانترین شاعران انقلابی شیعه است و «من از راهم بر نمی‌گردم حتی اگر این راه به مرگ منتهی شود» زیباترین اشعار اوست.

نگاه کنید به دیوان پیر سلطان ابدال چاپ استانبول، و مقایسه شش کتاب متصرفین اولیه در ادبیات عثمانی تألیف فواد کوپرولو و استاد عبدالباقی گول پیناری در مجله دانشکده اقتصاد استانبول سال‌های ۱۹۵۰ به بعد.

بلکه منجر به اعدام وی نیز گشت. گر چه حرکت اصلاحی ابراهیم پاشا را نوعی بازسازی جامعه عثمانی به منظور تحکیم مبانی حکومت و دولت تلقی کردند، ولی در عمل موازنه قدرت در حکومت عثمانی را نمایان می‌ساخت.

۷- عصر اصلاحات:

اولین دوره‌ای که در امپراطوری عثمانی به عنوان یک نهضت سیاسی- اجتماعی مطرح می‌شود، به نام عصر اصلاحات معرفی گردیده است. عوامل داخلی و خارجی زیادی در تکوین این دوره دخالت داشته‌اند، هر چند بعضی از محققین تاریخ عثمانی بر این باورند که، هدف و غایت این اصلاحات، تثبیت و تحکیم استبداد عثمانی بوده است. اخیراً نگرشهای دیگری هم مطرح گردیده که به چند جنبه آن اشاره می‌شود.

۱- گسترش دیوان سالاری و فقر اقتصادی.

۲- قیام پاترونا خلیل (P atrona Khalil) در استانبول علیه استبداد سلطان. (۱۲)

۳- فشار اقشار مختلف قلمرو عثمانی جهت گرفتن امتیازات تازه سیاسی، اجتماعی، حتی اقتصادی.

۴- حوادث و مسائل جهانی، مانند اشغال مصر توسط ناپلئون و شکست عثمانیها در اروپا از دولت پروس.

۵- قیام مردم شبه جزیره بالکان جهت استقلال.

اینها عواملی بودند که دولت و حکومت را بر آن داشت تا دست به اصلاحاتی بزنند. این دوره را به تعبیر دیگر عصر نظام جدید نیز نامیده‌اند. ویژگیهای اصلاحات این دوره به شرح ذیل است:

* اصلاحات اداری: تدوین قوانین تازه جهت ادارات دولتی و رسیدگی به شکایات مردم.

* اصلاحات نظامی: استفاده از سلاحهای جدید و مجهز ساختن پنی چریها به اسلحه‌های تازه و تدوین اساسنامه جدید انضباطی و نظامی برای سپاهیان.

* اصلاحات آموزشی: تغییر و تحول در نحوه اداره مدارس علمیه و مکتب خانه‌ها. (۱۳)

این اصلاحات پس از مدتی روند وشکل تازه‌ای به

قیامهایی که علیه حکام و والیان روی داده است. قیامهای اقلیت‌های مذهبی خصوصاً مسیحیان در یان، عربستان، بلغارستان.

- نهضتهای شمال آفریقا:

- مصر، ۲- الجزایر، ۳- مراکش و تونس.

- نهضتهایی که در خاورمیانه عربی روی داد:

- شامات (شامل: لبنان، سوریه، فلسطین، اردن).

- عربستان، یمن و عراق.

امپراطوری عثمانی در اثر جنگهای ممتد و طولانی با اروپائی و نیز درگیری با دولت صفوی بطور فرسایشی به ضعف نهاد، در این میان دولت صفویه برای اینکته واند در برابر تهاجمات نظامی عثمانیها مقاومت کند، باب اوده و دوستی با اروپائیان را گشود، چه خطر الحاق آن به قلمرو دولت عثمانی همچون کابوسی شاهان صفوی را می‌آزد. بدین سان دول مسیحی اروپا فرصت را شتم دانسته و ارتباط سیاسی با ایران برقرار نمودند، تا از راه بتوانند، دولت مقتدر عثمانی را شکست دهند.

بعد از سلطنت سلطان سلیمان قانونی که مصادف با سلطنت شاه طهماسب صفوی در ایران بود، دولت عثمانی بگر نتوانست دست به فتوحات تازه در اروپا بزند و در این ان تزلزل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ارکان حکومتی ظاهر شد که تفصیل آن را باید در تاریخ عثمانی و کیه دید.

حکمرانان عثمانی با ملاحظه نهضتهای مداوم بیامان در شرق آناتولی، قیام اقلیت‌های مذهبی مسیحی) در شبه جزیره بالکان، اسراف اقتصادی، فکر دید نظر اساسی در ارکان حکومتی را مدنظر قرار دند. اما در این میان دو قدرت دینی و نظامی یعنی شیخ سلامها و پنی چری‌ها، مانع انجام اصلاحات گردیدند. لاهه اینکته رجال و اشراف دولت هم با اجرای هرگونه اصلاحات مخالف بودند، زیرا در واقع منافع آنها به مخاطره افتاد. قابل ذکر است حتی اصلاحات سطحی کسانی ون وزیر ابراهیم پاشا که صدراعظم عثمانیها بود، نه تنها مخالفت پنی چری‌ها و شیخ‌الاسلام زاده‌ها روبرو شد،

خود گرفت و قدمهای سرپیمتری جهت دگرگونی در جامعه عثمانی برداشته شد که عبارت بودند از:

۱- تأسیس ارتش جدید به جای ینی چریها یعنی سپاهیان سنتی حکومت.

۲- اعزام دانشجویان به اروپا جهت فرا گرفتن علوم و فنون تازه.

۳- تأسیس آکادمی و نظام به نام حریبه.

۴- تأسیس چاپخانه و روزنامه یومیه.

۵- تأسیس دارالترجمه.

تا این مرحله از اصلاحات را اندیشمندان بسیار مطلوب، بجا و شایسته دانستند، ولی نحوه استنباط و استفاده از این برنامه منفی بود، هر چند عصر اصلاحات هنوز به درستی مورد قضاوت قرار نگرفته است.

۸- شکست برنامه‌های عصر اصلاحات^(۱۴):

عواملی چند در شکست عصر اصلاحات تأثیر داشته

است:

اول- این اصلاحات سطحی و فاقد هرگونه برنامه‌ریزی بنیادی بود.

دوم- گستردگی و وسعت قلمرو امپراطوری عثمانی، مانع تحقق اصلاحات می‌گردید.

سوم- شیخ الاسلام‌ها و علمای دینی که وابسته به دولت بودند این اصلاحات را نوعی تجدد و حتی بدعت دانسته و با آن مخالفت می‌نمودند و با نفوذ بیش از اندازه علمای دینی بر مردم و مدارس اهل سنت، میزان موفقیت اصلاحات فوق‌العاده ضعیف به نظر می‌رسید.

چهارم- چون اصلاحات از سوی سلطان عثمانی اجرامی گردید، مردم آن را نوعی تحکیم حکومت تلقی کردند.

عصر اصلاحات گذشته از اینکه اثرات منفی سیاسی بر حکومت عثمانی و جامعه آن روز برجای گذاشت، عواقبی هم در پی داشت که مهمترین آن شتابزدگی و تعجیل در پذیرش تمدن فرنگی می‌باشد. در واقع این دوره، زمینه خوبی شد برای غرب باوران که بتوانند برنامه‌های جدیدی

را به نام دوره تنظیمات در قلمرو عثمانی پیاده کنند. عرصه تنظیمات نقش فراوان در انحراف جامعه اسلامی عثمانی به سوی غربگرایی داشته است.*

عصر اصلاحات را می‌توان آغاز بیداری عثمانی دانست. آنان به جهت همجواری با اروپائیان از نزدیک به برتری نظامی، علمی و فنی اروپائیان پی برده، درصدد برآمدند که از صنعت و علوم غرب اقتباس نمایند. متأسفانه با آنکه اصول برنامه عصر اصلاحات بسیار خوب و مطلوب بود، ولی نحوه استدراک و عمل آن به جهت عدم آشنائت مسئولان، سازنده و مثبت نبود و این اولین تجربه یک کشور اسلامی در رویارویی با ظواهر و مظاهر غرب محسوب می‌شد.

عصر اصلاحات دوام نیاورد، بدان جهت که آگاهی مردم خیلی پائین بود و شیخ الاسلام‌ها به این بهانه که این برنامه‌ها با موازین سنت حنفی و نبوی مطابقت ندارد با آن مخالفت می‌نمودند و از اجرائش جلوگیری می‌کردند.*

* سابقه ارتباط ایران با غرب را زنده یاد جلال آل احمد در کتاب غربزدگی به تفصیل یاد کرده و ریشه گندیدگی آن را به وضوح بیان نمود است. در ایران هم عباس میرزا برای تقویت بنیه نظامی و مقابله با روسیه تزاری در آذربایجان چندین مستشار نظامی از فرانسه به تبریز آورد و در نحوه آموزش و لباس سربازان ایرانی تغییراتی بوجود آورد که این عمل متأسفانه مورد مخالفت برخی از علمای تبریز قرار گرفت و هدف عباس میرزا را نوعی پذیرش تمدن فرنگی و غربی و احیاناً مسیحی شدن سربازان مسلمان ایرانی تلقی کردند و عباس میرزا ناچار از اجراء برنامه‌های خود منصرف گردید. عباس میرزا به ضعف بنیه نظامی ایران واقف شده بود و قصد داشت جلوی تعرضات نظامی روسها را بگیرد که اجل هملتس نداد و درگذشت و آذربایجان فعلی شوروی در اثر دسترس روسها و انگلیسها از دست ایران بسدر رفت و سپس از انقلاب ۱۹۱۷ اسیر کمونیستها گردید که این اسارت هنوز هم ادامه دارد. (نگاه کنید به کتاب حکیم اوغلو به نام در روسیه با مسلمانان چگونه رفتار می‌کنند، چاپ قم).

* شیخ الاسلام‌ها در امپراطوری عثمانی به ندرت تحول در مدارس علمیه پذیرا می‌شدند، زیرا آنان هرگونه نوجویی را بدعت تلقی نموده و دست تکفیر و حتی قتل می‌زدند. در جامعه دینی عثمانیها شیخ الاسلام‌ها بیدار و مبارزی هم بودند که قصد اصلاح دینی داشتند که معروفترین آن شیخ الاسلام فیض‌الله افندی بود.

در این زمینه مراجعه شود به کتاب: ResimliOsmaoli Tarihi و کتاب شیخ الاسلام‌های عثمانی که این کتاب را نگارنده در دست ترجمه دارد.

۴- توطئه‌های استعماری فرانسه و انگلیس در شمال آفریقا. اینها عوامل برون مرزی تحقق دوره تنظیمات بودند. جریانات داخلی امپراطوری هم در تحقق فرمان تنظیماتی بی‌تأثیر نبوده است، از آن جمله:

- ۱- شورشها و نهضت‌های داخل امپراطوری.
- ۲- کم شدن نسبی نفوذ معنوی شیخ‌الاسلامها.
- ۳- ضرورت تجدیدنظر در مبانی حکومتی امپراطوری.^(۱۷)

در حقیقت این دوره ۳۵ ساله به عصر تنظیمات معروف شد، یعنی اجرای قوانین براساس قوانین مدنی غرب و کنار گذاشتن موازین دینی و شرعی.

۱۰- تلاش در مسیر غربزدگی:

در این دوره دو حرکت سیاسی روی داد که جامعه عثمانی را به طرف غربزدگی و پذیرش مدنیت غربی سوق داد:

- ۱- فرمان خط شریف گلخانه در سال ۱۸۳۹^(۱۸) این حرکت به جای اینکه از سوی مردم باشد از طرف پادشاه و مقام صدارت صادر شد و هدف آن اعطای نوعی امتیازات اجتماعی- سیاسی و حتی دینی به کلیه افراد قلمرو امپراطوری عثمانی بود. این فرمان اگرچه به عنوان محدود کردن قدرت پادشاه و اجرای قوانین مدنی در سراسر دولت عثمانی تلقی شد، ولی متأسفانه در اثر تحریکات دولتهای خارجی بخصوص روسیه تزاری به اهداف خود نرسید.

در این فرمان دو مسئله مطرح شده بود: اول اصلاحات اجتماعی که بسیار بجا بود. دوم مسأله آزادیهای اجتماعی و زمزمه جدائی دین از سیاست، که در حقیقت روشی بود در مسیر غربزدگی و از سوئی هم بلاد غربی خاورمیانه (شامات) و شمال آفریقا زیر بار این فرمان نرفتند و آن را برای رسیدن به حقوق اولیه سیاسی- اجتماعی کافی ندانستند.

در این میان موضعگیری علمای مدارس بسیار محتاطانه بود، فقط از آنجا که بخشی از این فرمان محدود کردن قدرت پادشاه بشمار می‌رفت، شیخ‌الاسلامها و

- عصر تنظیمات یا طرفداری از قانون:^(۱۵)

مرحله دوم حرکت‌های سیاسی- فکری- اجتماعی در امپراطوری عثمانی به دوره تنظیمات معروف گردید. یعنی دوره اجرای قانون و برقراری مقررات براسلوب و روش ریبها و جدائی شریعت از حکومت و محدود کردن قدرت دشاه.

این دوره که از سالهای ۱۸۳۹ تا ۱۸۷۶ (ویا ۱۸۷۹) طول انجامید، دوره‌ای است میان غربزدگی و غربگرایی ر امپراطوری عثمانی. این جریانات در زمان سلطان سیدالمجید اول و هنگام صدرات و وزارت بیوک رشید انجام گرفت.

عوامل زیادی در تحقق دوره تنظیمات مؤثر بود که بطور خلاصه به شرح ذیل است:

- انقلاب ۱۸۴۸ اروپا و تأثیر سیاسی آن بر ولایات تابعه امپراطوری عثمانی و هراس دولت در از دست رفتن ایالات^(۱۶)
- رقابت روسها و پروسها در اروپا جهت تسلط بر شرق اسلامی و تصرف ایالاتی که تابع امپراطوری بودند، مانند: مغارستان، رومانی، صربستان، یونان، آلبانی. توضیح اینکه امپراطوری روسیه تزاری خود را قیم و سرپرست معنوی رعایای مسیحی حکومت عثمانیها می‌دانست و در جهت تحریک مردم شبه جزیره بالکان از هیچگونه فعالیتی خودداری نمی‌کرد. اگرچه حمایت از رعایای مردم مسیحی لایات تابعه عثمانی از سوی تزار روس یک تاکتیک سیاسی- مذهبی بود و در عمل هدف روسها تسلط بر دریای سیاه و شکستن محاصره نظامی و دریای عثمانی بود به دوتنگه استراتژیک بسفر و داردائل را در اختیار داشتند.

- قیام محمدعلی پاشا در مصر: این شخص نماینده سلطان عثمانی در مصر بود که در آن نواحی اعلام بودمختاری کرد و سالیان دراز با عثمانیها در کشمکش سیاسی و نظامی بود، تا اینکه به مصر استقلال بخشید و روابط قرن نوزدهم، هر چند تحریک انگلیسیها را در مصر به تضعیف امپراطوری عثمانی نمی‌توان نادیده گرفت.

فقهای مدارس آن را تأیید نمودند. ولی بیوک رشید پاشا مبتکر این فرمان و صدراعظم، علیرغم تلاشهای سخت کوشانه به دلایلی نتوانست خواستهای سیاسی خود را در سراسر امپراطوری عثمانی بسط دهد، که عبارتند از:

- ۱- قیامهای داخلی ناشی از فقر مردم و ستم حکام ولایات (آشوبها و بی‌نظمی‌های داخلی).
- ۲- نهضت استقلال طلبانه کشورهای عربی، بویژه سوریه و لبنان.

۳- قیامهای شمال آفریقا بخصوص در مصر توسط محمدعلی پاشا.

۴- قیام رعایای مسیحی جهت استقلال طلبی.

۵- فساد مالی و استقراض دولت.

۶- نفوذ بی‌اندازه پادشاه و رجال و بزرگان دولت.

۷- بی‌اعتنائی سلطان عثمانی به اجرای مقررات و قوانین مصوبه، بعنوان مهمترین دلیل.

۱-۱- فرمان خط همایون:

شکست دوره تنظیمات تجربهای بود در جهت رویارویی یک جامعه اسلامی با قوانین غربی، سلطان عثمانی در سال ۱۸۵۶ میلادی فرمان خط همایون را صادر کرد که عواقب و عوارض سیاسی- فرهنگی گسترده‌ای در پی داشت. بررسی و تحلیل این عوارض کاملاً ضروری است. (۱۹)

درحقیقت شخصیت‌هایی چون نامق کمال، عاطف افندی، سعدالله پاشا و صادق رفعت افندی، در تنظیم این فرمان دخالت داشتند. این گروه خود را نوعثمانی‌ها نامیده و از پیشگامان غربزدگی در جامعه عثمانی بودند، مانند افرادی چون میرزا ملک‌خان، آدمیت و میرزا آقا خان کرمانی در ایران.

بسیاری از متفکران و اندیشمندان اسلامی نامبردهگان را جاده صاف کن اندیشه‌های غربی در امپراطوری عثمانی می‌دانند. گروه نامبرده جدائی شریعت از حکومت را خواستار بوده و خواهان تأسیس مجلس (پارلمان) به شکل و مثابه مجالس قانونگزاری اروپا بودند.

درحقیقت اندیشه این گروه منجر شد به نوعی اسلام ستیزی و شیفتگی در برابر تمدن غرب و در نهایت مبارزه با تفکر اسلامی و در عمل محو کردن اسلام در امپراطوری عثمانی که بعدها با اعلان جمهوری ترکیه توسط آتاتورک کاملاً تحقق پذیرفت.

پیش از آنکه به تحلیل این فرمان پرداخته شود، بررسی آراء این گروه ضروری است:

الف- صادق رفعت پاشا (مبتکر تنظیمات): (۲۰)

رفعت پاشا که مغز متفکر و مبتکر دوره تنظیمات بود در سال ۱۸۰۷ متولد شد. به رسم آن زمان تحصیلات اسلامی کرد و تحصیلات عالی را در مدرسه مخصوص باب عالی ادامه داد و به خدمت دیوانی پیوست و به حمایت مصطفی رشید پاشا وارد وزارت خارجه شد و به عنوان سفیر کبیر به اتریش رفت. پس از مراجعت از اتریش در مدت ده سال بعد، مقامات عالی از قبیل: وزارت امور خارجه، ریاست شورای احکام عدلیه، وزارت مالیه و در آخر معاون مجلس عالی تنظیمات را احراز نمود.

محور اصلی افکار رفعت پاشا را اصلاح عمومی مملکت تشکیل می‌داد که متأثر از عقاید و آراء پرنس مترنیخ صدراعظم اتریش بود. او اندیشه‌های محافظه‌کارانه داشت و از هرگونه آراء افراطی دوری می‌جست. وی معتقد بود باید در نظام اجتماعی و مدنی مملکت به حکم ضرورت و بطور تدریج تغییراتی صورت بگیرد تا از سیر تنزل امپراطوری عثمانی جلوگیری به عمل آید. او می‌گفت: هر حکومت استبدادی استیلا پیدا کند، دولت تنزل می‌پذیرد و آشکارا می‌نویسد: هر جا تجارت و فلاح ترقی نگیرد دولت به سقوط کشانده خواهد شد.

بطور خلاصه از نظر فلسفه سیاسی، محور عقاید رفعت پاشا محدود کردن قدرت سلطان و تفویض آن به دستگاه بوروکراسی دولت بود. او می‌گفت: حکومت برای مردم است، نه برای حکومت. و برای اجرای قوانین، مکرر از عدالت سخن می‌راند. سیاستهای قاهرانه را تقبیح می‌کرد و رعایت حقوق انسان را لازم و ضروری می‌دانست. او از اولین نویسندگان عثمانی است که ملت را به Nation (نه به

ج- مصطفی فاضل پاشا (مدافع مشروطیت):

در تاریخ تحولات فکری عثمانی نامدارترین منادیان و مدافعان فکر مشروطیت، مصطفی فاضل پاشا نوه محمد علی پاشا، والی مصر و برادر اسماعیل پاشا است.

وی در چهارسالگی از مصر به عثمانی آمد و تحصیلات خود را در استانبول انجام داد و در خدمت دولت به مقامات عالی حتی وزارت رسید. در سال ۱۸۶۲ به گروه عثمانیان جوان پیوست و در سال ۱۸۶۶ در اثر کنکاشهای فکری به پاریس تبعید شد. و در جراید اروپا مقالاتی درباره لزوم تأسیس حکومت مشروطه در عثمانی نوشت.

مهمترین اثر او شرح مبسوطی است که به عنوان سلطان عبدالعزیز در سال ۱۸۶۷ نوشت که به نامه مصطفی پاشا شهرت دارد و در آن از تأسیس رژیم مشروطه بحث می کند و طرح قانون اساسی عثمانی را مطرح می سازد.

نامه فاضل پاشا یکی از بامعناترین سرچشمه الهام عثمانیان جوان و بعد از آن برای گروه ترکان جوان است. نامه های او با علل انحطاط عثمانی ها آغاز می گردد و آن را یک جریان اجتناب پذیر می شناسد. وی معتقد است می توان سقوط و یا انحطاط آن را از طریق تغییر ساخت نظام سیاسی عثمانی و ایجاد دستگاههای قانونگزاری جدید سد کرد. او طرفدار آزادی و حریت بود و استبداد سلاطین را نکوهش می کرد و عقیده داشت برای جلوگیری از استبداد سیاسی، دولت مسئول لازم است و دولت مسئول هم از طریق تأسیس حکومت مشروطه مقدر خواهد بود. وی در حقیقت مخالف سلطنت نبود بلکه محدودیت قدرت و حکومت شاهان را خواهان بود. او برای اولین بار جدائی دین از سیاست را مطرح کرد و گفت: «دین ناظم حقوق مردم نیست» که سبب خشم فقها گردید.

فاضل پاشا از احساسات عالی نژاد ترک صحبت می کرد و قدرت ترکان را می ستود و این اندیشه او زمینه را برای گسترش فکر پان ترکسیم آماده ساخت.

د- نامق کمال:

در تاریخ تحولات فکری و سیاسی عثمانیها، نامق کمال نیز یکی از برجسته ترین نمایندگان عثمانیان جوان

معنی گروه مذهبی) به کار برده است.

ب- ابراهیم شناسی (مبلغ افکار جدید غربی):^(۲۱)

در تأسیس گروه عثمانیان جوان، عوامل مختلف تأثیر داشت، ولی محققین بر این باورند که اصل بنیان فکری آن نهضت، کار یک نفر به نام ابراهیم شناسی بود که از برجسته ترین متفکران جدید عثمانی به شمار می آید.

وی در سال ۱۸۲۶ متولد شد و زمانی که به خدمت دولت پیوست با پشتیبانی و حمایت مصطفی رشید پاشا در سال ۱۸۴۶ به اروپا رفت و در فرانسه ادبیات و علم اقتصاد خواند و با کانونهای مختلف فکری فرانسه ارتباط یافت. در سال ۱۸۵۳ به استانبول بازگشت و به دستور رشید پاشا به عضویت مجلس عالی آموزش درآمد و در سال ۱۸۶۰ با همکاری یکی از دوستانش روزنامه ترجمان احوال را تأسیس کرد و دو سال بعد به تنهایی روزنامه تصویر افکار را منتشر نمود و از طریق روزنامه، غربگرایی را در میان مردم انتشار داد و مدتی هم به صورت تبعید در پاریس به سر برد و در سال ۱۸۷۱ درگذشت.

بطور کلی، شناسی، نماینده جریانات فکری غرب و اولین کسی بود که از سیاست و تاریخ به عنوان علم صحبت کرده است. او در اصول عقاید خود بیش از تمام متفکران گروه عثمانیان جوان تحت تأثیر عصر تعقل اروپا قرار داشت. خرد و عقل را ستایش می کرد و دفاع از حقوق بشر را او در عثمانی مطرح ساخت. شناسی از حکومت قانون صحبت می نمود و مقصودش تساوی مطلق در برابر قانون بود، ولی هیچ جا سخن از آزادی نگفت.

اندیشه های او در برابر عدالت مبتنی بر شریعت است اما از تأثیر عقاید مغرب جدا نیست. او معتقد به محدودیت قدرت فرمانروایان بود و می گفت: این محدودیت از طریق تدوین قانون اساسی باید انجام پذیرد.

شناسی مکرر از ملت و وطن صحبت می کرد. او مبارزه فرهنگی را مقدم می دانست و تاحدودی در ارائه عقاید و آرائش محتاط بود. با این وجود اندیشه های او در نهضت عثمانیان جوان تأثیر بسیار عمیق گذاشت.

می‌باشد. او شاعری انقلابی، اما نژادگرا و غرب‌پسند بود. اصول اندیشه او در تلفیق شریعت و مذهب با فلسفه آزادی و غربی و نیز احیای روحیه ناسیونالیسم و ملیت پرستی ترک و مبارزه با استبداد سیاسی سلاطین عثمانی بود. احساسات وطن پرستانه و ملیت‌گرایی در اشعارش به وضوح پیداست.

وی در سال ۱۸۴۰ متولد شد. پدرش در معلم سرای عثمانی اشتغال داشت. رشته اصلی تحصیلات او علوم کلاسیک اسلامی بود و در جوانی در اداره ترجمه دربار عثمانی مشغول خدمت شد. نامق کمال فعالیت‌های سیاسی خود را از سال ۱۸۶۵ شروع کرد و چندین بار تبعید گردید.

آثار او سلسله مقالاتی است که در روزنامه حریت و عبرت می‌نوشت و از اصحاب تعقل اروپا دفاع می‌کرد. در اندیشه‌های او تناقض فکری فراوان موجود است، مثلاً از سوئی از شریعت و دیانت دفاع می‌کرد و از سوئی فلسفه سیاسی غرب را می‌ستود.

وی در قسمت بیان حقوق فرد نیز عقیده داشت که تلفیق تعالیم عثمانی با اصول سیاسی غربی ضرورت دارد، او مدافع مشروطه بود و همه جا از اصل مشورت دفاع می‌کرد و آن را به معنی حکومت انتخابی بکار می‌برد و می‌گفت: اجتماع وقتی آزاد است که حقوق شخصیه به حقوق سیاسی تبدیل شود و اساس تأمین حقوق سیاسی تقسیم قوا و اصول مشورت است.

او از قانون اساسی دفاع می‌کرد و پیشنهاد کرده بود که در عثمانی نیز سه دستگاه بوجود آید: شورای دولتی، سنا و مجلس نمایندگان. او مانند ابراهیم پاشا معتقد بود که دولت باید پیشرو اصلاحات مملکتی باشد.

نکته دیگر: احساسات شدید وطن پرستانه و تعصب و ترک‌گرایی وی است، که در این خصوص فوق‌العاده مبالغه می‌کرد. در عین حال اندیشه اتحاد جامعه اسلامی را نیز گهگاه مطرح می‌کرد و می‌گفت: تمام مسلمانان باید متحد گردند، اما تحت لوای ریاست و حاکمیت ترکها و عثمانیها.

۱۲- تحولات اجتماعی پس از فرمان خط همایون:

همگام با صدور فرمان خط همایون، تحولات و اصلاحات اجتماعی و سیاسی نیز صورت گرفت که اهم آن عبارت بودند از:

۱- اصلاحات در امور اداری و نظام حکومتی.

۲- تأسیس وزارتخانه به روش و سبک غربی.

۳- محدودیت قدرت والیان حکام، پاشاها (فرماندهان نظامی محلی).

۴- دادن نوعی امتیازات سیاسی و اجتماعی به ایالات تابعه حکومت، مانند یونان، بلغارستان و غیره، (۲۲)

۱۳- اثرات این فرمان:

اگرچه غرب زدگان فرمان خط همایون را اولین قانون اساسی در امپراطوری عثمانی می‌دانند و بدان بی‌اندازه مباحثات می‌کنند، اما در عمل تبعات و عوارض این فرمان چیزی جز انتحار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نبود، چه اولین انعکاس صدور این فرمان، نابرابری همه اقوام و ملت‌های تابعه - چنانچه مسیحی و چه مسلمان - در برابر قانون بود و دوم: زمزمه جدائی دین از سیاست و حکومت و سوم: جریانی به نام تجدد و اسلامگرایی. در واقع اثرات منفی این فرمان بیشتر از جنبه‌های مثبت آن بوده است.

پس از صدور فرمان و با توجه به اعلان تساوی حقوق همه ملت‌های تابعه امپراطوری عثمانی*، یک سلسله قیامها و شورش‌ها در امپراطوری بوجود آمد که بیشتر آنها در اثر تحریکات فرانسه و روسیه تزاری بوده است، چه فرانسه چشم طمع به شمال آفریقا (الجزایر، تونس و

* نباید از یاد برد که در جریان واقعه مشروطیت مسائلی پیش آمد که بی‌شبهات به جریانات سیاسی در امپراطوری عثمانی نبود. اگرچه مشروطیت بی‌تأثیر از حوادث مربوط به مشروطیت در عثمانی نبوده است. بهر حال در آستانه تدوین قانون اساسی، شهید مهاجر شیخ فضل‌الله نوری در باب تدوین بعضی از اصول و اساسنامه قانون مشروطیت مخالفت کرد، ولی مخالفین او را مرتجع و واپسگرا نامیدند.

نگاه کنید به کتاب‌های: مظلومی بر بالای دار و کتاب غریب‌دگی آل احمد و کتاب خاطرات اعظام الوزراء قدسی به نام تاریخ صدساله ایران و خاطرات و خطرات از مخبرالسلطنه، و مجموعه سوادنامه و اعلامیه‌های شیخ شهید نوری، زیر نظر دکتر اسماعیل رضوانی.

اقلیت‌های مذهبی.

۳- زبان ترکی زبان رسمی امپراطوری باشد.

اگرچه دستاورد اولین قانون اساسی عثمانی به عنوان یک حرکت سازنده فرهنگی-سیاسی تلقی شد، ولی در عمل زمینه را برای نفوذ غرب‌زدگی بر جامعه عثمانی فراهم نمود. (زمینه تعارض با اسلام و ادامه این حرکت.)

با آنکه در قانون اساسی، اسلام به عنوان دین رسمی امپراطوری معرفی شده بود، اما وقوع بعضی از جریانات، بویژه اعلان برابری همه افراد تابع امپراطوری عثمانی (چه مسلمان و چه مسیحی) در برابر قانون سوءظن شیخ الاسلامها و علمای مدارس و طلاب علوم دینی را برانگیخت، تا آنجا که علیه آن دست به تظاهرات زدند و این سؤال مطرح شد که چگونه خلاف نص صریح کتاب آسمانی قرآن مجید همه مردم از نظر قانون برابر باشند.

در اینجا دولت در برابر یک بحران عمیق سیاسی و در عین حال فکری و فرهنگی قرار گرفت. ایالات مسیحی امپراطوری این قانون اساسی را یک پیروزی سیاسی تلقی نمودند و سلطان عثمانی آن را به عنوان یک حرکت تجددگرایانه به اروپاییها نشان داد و مدحت پاشا صدراعظم بعنوان مدافع حقوق رعایا و مردم زیر دست معرفی گردید و طرفداران قانون به سبک اروپایی جشنها برپا نمودند و در روزنامهها به علمای مدارس به این بهانه که مخالف ترقی و تجددند تازیدند.

۱۴- قانون اساسی مشروطیت و روشنفکران عثمانی:

نامق کمال، رفعت افندی، فاضل پاشا و پرنس صدراعظم، ضمن دفاع از قانون اساسی و مشروطه اول، از بنیانگذاران اتحاد عثمانی بودند و دلیل آنها بر این اندیشه استوار بود که اتحاد همه مسلمانان در این شرایط میسر و ممکن نیست، در نتیجه به فکر اتحاد افراد واقوامی بودند که در قلمرو امپراطوری عثمانی زندگی می‌کنند.

در حقیقت نظریه پان عثمانیسم یا عثمانی‌گری برچند محور اصلی متکی بود:

۱- محور سیاسی، ۲- محور فرهنگی، ۳- محور

راکش) دوخته بود و روس هم خواهان استقلال بالکان بود خود را قیم معنوی مسیحیان آن نواحی می‌دانست.

گذشته از اثرات سیاسی، فرمان خط همایون سبب شد چندین جریان حاد و مهم در درون قلمرو امپراطوری عثمانی روی دهد. این جریانات، سالیان دراز از نظر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، مردم و روشنفکران و حتی مقامات مذهبی و اهل مدرسه را رودرروی هم قرار داد و زمینه منازعات سیاسی را فراهم نمود. این جریانات عبارت بودند از:

- اتحاد اسلام: یعنی اتحاد همه مسلمانان زیر لواء ولایت عثمانی‌ها و ایجاد یک جبهه واحد در شرق اسلامی، با حفظ حاکمیت ترکان عثمانی، بر همه بلاد

- اتحاد ترکان: این جریان مخالف اتحاد همه اقوام و ملت‌ها بود و بیشتر جنبه نژادگرایانه داشت و برتری سیاسی، ریختی و فرهنگی ترکان را می‌ستود. (یعنی پان ترک‌یسم).

- اتحاد عثمانیها: یعنی متحد کردن همه افراد و اقوام تحت حکومت عثمانی تحت همین نام و ایجاد قدرتی در برابر اروپا. بدیهی است طرفداران این نظریه نقشه توسعه طلبی داشته و راضی به جفا ختن ممالک تابعه از دولت مرکزی نبودند.

این سه جریان فکری-سیاسی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم سراسر امپراطوری عثمانی را فراگرفت و طرفداران آنها سالیان سال با قلم و روزنامه به مبارزه و نازعه پرداختند.

اعلان اولین مشروطیت عثمانی در سال ۱۸۷۶ سبب شد تا اساسنامه یا قانون نامه جدیدی برای امپراطوری وضع شود. اما این اساسنامه بجای آنکه گره‌ای از مشکلات ملیم سرزمین پهناور عثمانی بگشاید اثرات منفی و زیانبار جای گذاشت. چند ماده از اساسنامه مشروطیت اول به شرح زیر است:

۱- برابری همه مردم امپراطوری عثمانی در برابر قانون اساسی و دولت.

۲- اسلام دین رسمی امپراطوری با رعایت اعتقادات

اجتماعی.

در محور سیاسی، پان عثمانیها با رعایت حق تساوی زبان، نژاد، فرهنگ و دین طرفدار اتحاد وانسجام ملل تابعه حکومت عثمانی بودند. هدف آنها این بود که مقام ونظام سلطنت ویا به اصطلاح خودشان خلافت عثمانی برجای بماند، ولی آزادیهایی به همه افراد تابعه داده شود وحق ملتها وملیتها محترم شمرده شود.

واز نظر اجتماعی، اعتقاد براین داشتند که بین ایدئولوژی اسلامی واندیشههای غربی نوعی انسجام وارتباط بوجود آید، ضمن اینکه بطور جدی از اندیشه جدائی دین از سیاست طرفداری می کردند. این گروه جهت انتشار افکار وآراء خویش، در استانبول وازمیر (در غرب ترکیه فعلی) ودر شبه جزیره بالکان دارای روزنامههای بودند که به ریاست ابراهیم متفرقه وضیا پاشا اداره می شد. ناگفته نباید گذاشت اندیشه پان عثمانیسم، زمینه را برای رشد پان ترکیسم آماده ساخت ویکی از شاهزادگان عثمانی به نام مصطفی فاضل روزنامه ای به نام عبیرت چاپ کرد وآشکارا در برابر طرفداران اتحاد عثمانی دست به مخالفت زد. گروه مخالف بعدها روزنامه ای به نام گونش Gunesh (= خورشید) به سرپرستی آکچا داوغلو به چاپ رساند که هم با طرفداران اتحاد مسلمین وهم با هواداران اتحاد عثمانیها مبارزه می کرد.

حقیقت این است: هر یک از این جریانات که سراسر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، دنیای اسلام- بویژه امپراطوری عثمانی- را فرا گرفته بود و محور- بیشترین تحولات سیاسی- فرهنگی را به خود اختصاص داده بود، با واقعیتها فاصله زیاد داشت. چه هریک از این نهضتها وحرکتها اهدافی داشتند که با اندیشه اصیل اسلامی کاملا بی ارتباط بود. واز سوئی این روشنفکران به فکر وغمخوار مردم نبودند ودر حقیقت بازیهای بود در پشت پرده سیاست.

طرفداران اتحاد عثمانی، هم از نظر سیاسی وهم از نظر فرهنگی دارای ضعفهایی بودند: از نظر سیاسی این روشنفکران حکومت ظلم وستم سلاطین عثمانی را تأیید

می کردند و به آنان لقب سلطان اسلام و خلیفه مسلمین می دادند، سلاطینی که دستشان به خون شیعیان وآزادگان آغشته بود. پادشاهان عثمانی هر روز شهری را ویران می کردند و حاکمی ستمگر را بر مردم می گماردند. ایراد روشنفکران غربزده (نامق کمال، رفعت پاشا، فاضل پاشا شناسی) به خاطر تحکیم حکومت وحفظ ایالات تائب واستقلال از دسترفته گذشته از اندیشه اتحاد عثمانیان جانبداری می نمودند.

از نظر فرهنگی هم عدم انتظام وانسجام در سراسر امپراطوری عثمانی به وضوح به چشم می خورد. وایر مسائلهای بود که کسی نمی توانست از آن غافل بماند مسائل فرهنگی شمال آفریقا با شبه جزیره بالکان وید کشورهای عربی خاورمیانه هیچ گونه ارتباط ویا شباهت نداشت، در این صورت طرفداران اتحاد عثمانی چگو می توانستند از نوعی وحدت یا اتحاد فرهنگی- سیاسی دفاع کنند که در عمل تحقق ناپذیر بود.

اما طرفداران اتحاد اسلام: اگرچه این جریان به جهاتی می توانست نوعی وحدت را در قلمرو امپراطور عثمانی بوجود آورد، ولی با دومشکل اساسی روبرو بود اول اینکه کشورهای عرب مسلمان شمال آفریقا وبلادعرب خاورمیانه به این وحدت بادیده تردید می نگرستند، د اینکه شیعیان شرق آناتولی هم به سبب ضربات هولناک که از حکومت مرکزی عثمانیها دیده بودند اتحاد را به معنی کامل انتحار تلقی می نمودند و با آن مخالف بودند مسئله مهم دیگر: در سایه اتحاد مسلمین بازسلطه عثمانی به عنوان خلیفه مسلمانان مطرح می شد واین امر بود که مسلمین چندان خواهان ویا طرفدار آن نبودند. مشروعیت دادن به حکومت سلطان جابر عثمانی مسأله بود که شیعیان و بسیاری از مسلمانان شرق اسلامی وایالات تا (مصر وشامات) با آن مخالف بودند، هر چند شیخ الاسلام و علمای مدارس برای تحکیم قدرت خویش با اتحاد مسلمین

در آستانه جنگ جهانی اول شریف حسین به بهانه انتساب به خاندان پیامبر مسأله خلافت عربی را مطرح کرد و عده ای هم از وی دفاع نمود ولی کاری از پیش نبرد. در باب خلافت اسلامی و اندیشه های مربوط آن به کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت مراجعه شود.

در آستانه جنگ جهانی اول شریف حسین به بهانه انتساب به خاندان پیامبر مسأله خلافت عربی را مطرح کرد و عده ای هم از وی دفاع نمود ولی کاری از پیش نبرد. در باب خلافت اسلامی و اندیشه های مربوط آن به کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت مراجعه شود.

موافق بودند.

داشتند این کشور پهناور را به دولت‌های کوچکتر تقسیم نمایند.

۲- جدا ساختن شریعت اسلامی از قوانین مدنی و تبلیغ برای برنامه جدائی دین از سیاست.

۳- لغو برنامه‌های آموزشی مدارس اسلامی به مکتب‌خانه‌ها.

۴- تضعیف علمای اسلامی و بی‌اهمیت جلوه دادن علوم و معارف اسلامی و حوزه‌های علمیه.

۵- تحریف تاریخ اسلام از طریق نوشته‌های مستشرقین.

۶- عنایت به حرکتهای الحادى و قومى در کشورهای اسلامى.

۷- مسخ نمودن هویت و شخصیت اسلامى مسلمان.

۸- ترور فکرى و تاريخى نهضتهاى که با غربزدگى مخالف بودند به بهانه ارتجاع و واپسگرایی.

۹- تبلیغات جدائی بین عرب و اسلام و بی‌خبر گذاشتن مردم از تحولات و نهضت‌های کشورهای اسلامی.

۱۰- گسترش دادن اختلاف میان علمای اسلامی و مانع شدن از وحدت مسلمان.

۱۱- تبلیغ برنامه‌های غربی در کشورهای اسلامی.*

۱۶- سقوط مشروطیت اول عثمانی و تجدید حکومت استبدادى:

تحولاتى که در امپراطورى عثمانى به نام نهضت

مشروطیت به وقوع پیوسته بود با روی کار آمدن سلطان

عبدالحمید که در استبداد و ستمگرى شهره آفاق بود،

دوباره به فراموشى سپرده شد. سلطان به بهانه اینکه

مشروطیت مقدمه تجدد و تجدید مقدمه بی‌دینی و حتی

بدعت است و سلطان عثمانی هم خود را در برابر

مسلمان مسئول می‌داند و از سوئى هم قوانین مدنی

نمی‌تواند تحکم بر احکام اسلامى داشته باشد.

دستورالعمل مجلس قانونگذاری را صادر کرد و بدین‌سان

البته این اتحاد اسلامى غیر از آن نظریه انقلابى سید جمال الدین اسدآبادى است که استاد مطهرى در کتاب نهضت‌های اسلامى، به تفصیل بیان داشته‌اند.

طرفداران اتحاد ترکها (پان ترکسیم):

این گروه به جهات بینش نژادگرایانه و در عین حال

توسعه‌طلبانه بیشتر از دو گروه اول آب به آسیاب استعمار

ریختند. اینها ضمن مخالفت با اتحاد عثمانی و همچنین

مبارزه با اندیشه وحدت اسلامى، خواهان اتحاد ترکها

بودند، البته نه فقط ترکان عثمانی، بلکه ترکان آذربایجان

شوروى و آسیای مرکزی نیز.

در جنگ جهانی اول این گروه دست به تشکیلاتی به

نام ترکان جوان زدند که بسیاری از افسران دولت عثمانی

هم مخفیانه در آن عضویت داشتند و سرانجام موفق به

تأسیس جمهوری ترکیه گردیدند.

۱۵- نقشه‌های استعمار جهت تضعیف کشورهای اسلامى:

رقابت دول استعماری روس و انگلیس جهت تسلط بر

شرق اسلامى بویژه امپراطورى عثمانى، در پایان قرن

نوزدهم به اوج خود رسید. و در اصل تجزیه امپراطورى

عثمانى جزء نقشه‌های درازمدت استعمارگران بود.

دول اروپائی به دولت عثمانى لقب مرد بیمار شرق

داده بودند. هدف این دولتها غارت فرهنگى، مالى

اقتصادى شرق بخصوص بلاد اسلامى بود و در این نقشه

خود به سبب عدم بیدارى مسلمان موفق شدند. استاد

محمد محمود صواف در کتاب نقشه‌های استعمار در راه

مبارزه با اسلام، برنامه درازمدتى را که دول استعماری

نهضت تجزیه و غارت کشورهای اسلامى ترتیب داده‌اند با

قت و تیزیبى بررسى کرده است:

۱- تجزیه امپراطورى عثمانى، که در آن زمان از نظر

روپائى‌ها تنها دولت اسلامى تلقى می‌شد. اروپائیان قصد

* شگفت این است که با روی کار آمدن اتاتورک تمامی نقشه‌های آنان در ترکیه بیاده شد و ضربهای بزرگ و هولناک بر فرهنگ اسلامى وارد آمد.

دورهای جدید در امپراطوری عثمانی بوجود آمد که سرایا خفقان و اضطراب بود.

ناگفته نماند که شریعت‌خواهی سلطان عثمانی مانند نیرنگهای مذهبی محمدعلی شاه قاجار بود. سلطان عثمانی میخواست به بهانه دفاع از مسلمین که هرگز مدافع آن نبود، احساسات مذهبی مردم را به نفع خویش برانگیزاند، که موفق نشد و در نتیجه با فتوای شیخ‌الاسلام منتخب خود به سرکوب مخالفین همت گماشت.

همین حرکت‌های استبدادخواهانه سلطان عثمانی منجر به جریاناتی شد که سقوط دولت عثمانی را در پی داشت که تفصیل آن را باید در تاریخ ترکیه جستجو کرد. سلطان عبدالحمید در دوران حکومت طولانی، سیاه و مستبدانه (حدود ۳۴ سال) خود دست به کارهایی زد که جز نفرت و خشونت ثمرای نداشت، از جمله:

- ۱- تبعید تمام و کلای مجلس که از تمامی نواحی و بلاد امپراطوری در استانبول گرد آمده بودند.
- ۲- تعطیل کار نویسندگان و روزنامه‌نگاران.
- ۳- تبعید نویسندگان و روزنامه‌نگاران.
- ۴- سرکوب نهضت‌های آزادی‌خواهانه در بالکان.
- ۵- سرکوب مردم مسلمان شام (سوریه) به جهت آزادی‌خواهی.
- ۶- سرکوب نهضت‌های شیمی شرق آناتولی.

۷- ایجاد یک شبکه مخوف و وسیع پلیسی در تمام بلاد عثمانی به نام ژورنال‌چی یعنی مخبر و جاسوس. همراه با استبداد حاکم بر جامعه، آزادی‌خواهان هم بسی‌کار ننشسته و دست به تبلیغ سیاسی علیه سلطان زدند و سلطان نیز جهت جذب قلوب مردم از حربه سیاسی- مذهبی اتحاد اسلام استفاده نمود و حتی جهت تحقق اهداف خود، به‌دارگر شرق اسلامی، سید جمال‌الدین اسدآبادی را به استانبول فراخواند به امید اینکه با استفاده از نفوذ و شخصیت وی بتواند چند روزی بیشتر حکومت و سلطنت کند. خوشبختانه سید جمال‌الدین به نیرنگ‌های سلطان به زودی آگاه شد، در نتیجه سلطان عثمانی نه فقط در کار

خود موفق نشد، بلکه به قوی‌ترین روایت، دستور قتل سید را نیز داد. (به احتمال زیاد سید جمال‌الدین در استانبول مخفیانه با آزادیخواهان در ارتباط بوده است).

۱۷- قیام علیه استبداد و آغاز حرکت‌های جدید

سیاسی:

اولین قیام علیه استبداد سلطان عثمانی در شبه‌جزیره بالکان به وقوع پیوست که سالهای سال مرکز حوادث بود. دوم: کودتای علی سوآوی به همراهی عده‌ای از افسران و دانشجویان دانشکده افسری استانبول که با شکست روبرو شد.

سوم: قیام ترکان جوان علیه سلطان و نقش نامق کمال نویسند و شاعر توانای ترک و عارف افندی.

چهارم: تشکیل کمیته اتحاد و ترقی: این کمیته یکی از مراکز جاسوسی اروپائی‌ها بود و در دو مرکز و ستاد مخفی فعالیت داشت: یکی در استانبول و دوم در شهر سلانیک در یونان.

پنجم: قیام شیعیان شرق آناتولی.

در این حال که سلطان عثمانی خود را سخت در تنگنا یافت باز درصدد تحریک احساسات مذهبی مردم برآمد و نقشه دیرینه اتحاد اسلام را در لوای سلطان عثمانی مطرح نمود و در جهت تحقق آن تحریکاتی نیز انجام داد، از جمله:

۱- تحریک درویش صوفیه و طریقت مولوی، به این بهانه که تجددگرایان قصد در هم کوبیدن درویش و طریقت‌های مذهبی را دارند.

۲- قیام طلاب مدارس استانبول در سال ۱۹۰۱ به رهبری علماء.

در این هنگام دو حرکت سازش کارانه جهت تحکیم حکومت سلطان به وقوع پیوست: یکی در داخل توسط احمد رضا بیگ به طرفداری از فدراسیون عثمانی با تأکید بر مرکزیت حکومت. دوم حرکت پرنس صباح‌الدین از شاهزادگان عثمانی در پاریس و تأسیس کمیته‌ای به نام نجات عثمانی. البته احمد رضا بیگ با هدفی مترقیانه‌تر

در همین زمان، ملاقات تزار روسیه و پادشاه انگلیس در رابطه با سرنوشت عثمانی سبب شد که مخالفان دولت عثمانی دست به فعالیت بزنند. کمیته اتحاد و ترقی از این دو جریان (یعنی شکست ضد کودتا و ملاقات سران دو دولت قدرتمند اروپا) نهایت استفاده را برد. بخصوص انورپاشا یکی از سرداران نظامی که تنها راه چاره را تصرف استانبول و خلع سلطان عثمانی دانست. این امر بسوق پیوست و افسران جوان ترک به سوی استانبول حرکت نموده و با تصرف پایتخت و تبعید سلطان، زمینه انقراض حکومت را آماده کردند. پس از تصرف استانبول، کمیته اتحاد و ترقی به رهبری انورپاشا، جمال پاشا و طلعت پاشا تشکیل شورای موقت حکومتی را اعلان نمود. و این زمانی بود که مبارزه مردم بالکان جهت اخذ استقلال همچنان ادامه داشت و آنها به جدخواهان جدائی از حکومت عثمانی بودند.

۱۸- کمیته اتحاد و ترقی و تحولات به سبک

غربی؛

با آنکه کودتای افسران کمیته اتحاد و ترقی با موفقیت انجام گرفته بود ولی در میان سران کودتا از نظر نگرش سیاسی اختلاف شدید موجود بود. مثلاً جمال پاشا طرفدار اتحاد عثمانیها، طلعت پاشا طرفدار اتحاد مسلمین و انورپاشا طرفدار اتحاد ترکان بود.

دوره حکومت کمیته اتحاد و ترقی، دومین دوره اصلاحات به روش و سبک غربیها و گسترش غربزدگی در مملکت است. این دوره از طرفی نیز یکی از ادوار بسیار حساس سیاسی تاریخ امپراطوری عثمانی به شمار می آید، چه هر حرکت و عملی بازتاب و انعکاس سیاسی گسترده ای در خاورمیانه به جای می نهاد. کمیته اتحاد و ترقی به جهات نفوذ تاریخی و تا حدی معنوی مقام سلطنت و خلافت (سلطان عثمانی خود را خلیفه مسلمین هم می دانست)، نتوانست سلطنت را خلع شده اعلام کند بلکه سلطان عبدالحمید عثمانی را به عنوان سلطان و خلیفه مسلمین معرفی نمود و اینکار بیشتر جنبه سیاسی داشت و

خواهان خودگردانی ایالات تابعه عثمانی بود، ولی صباح الدین قصد داشت با ورود به استانبول خود را سلطان جدید عثمانی معرفی کند.

سلطان عبدالحمید به جای در پیش گرفتن تدابیر لازم و اعطای آزادی به مردم، به سرکشی نهضت پرداخت و در نتیجه تمام دشمنان شخصی سلطان و مخالفان نظام عثمانی با هم متحد گردیدند و سرانجام در سال ۱۹۰۶ اتحاد ترکان جوان (تحت تأثیر اندیشه پان عثمانیسم = نو عثمانیان یا عثمانی جوان) و شاخه نظامی ارتش رهایی بخش یا کمیته اتحاد و ترقی، سازمان و تشکیلات مخفی را جهت سقوط دولت عثمانی تشکیل دادند و مرکز فعالیت آنان شهر سلانیک بود که از مرکز حکومت دور بود. سالهای ۱۹۰۸-۱۹۱۴ از ادوار حساس و تاریخ ساز حکومت عثمانیها بود، بدان جهت که شتاب حرکت های سیاسی و دیپلماسی در داخل و خارج علیه حکومت عثمانی ادامه داشت. در سال ۱۹۰۸ کمیته اتحاد و ترقی به نام اعاده قانون اساسی، محدودیت قدرت سلطان، خودگردانی بلاد عربی، و آزادی مطبوعات دست به کودتا زد و در اثر همین کودتا بود که به عمر حکومت طولانی عثمانیها پایان بخشید.

در این میان تحولات سیاسی اروپا و حوادث داخلی، جریانات را به نفع کمیته اتحاد و ترقی دگرگون ساخت. توافق سیاسی روس و انگلیس سبب شد که ترکیه عثمانی تحت لوای کمیته اتحاد و ترقی با اعضای مشکوک قرار بگیرد و این در زمانی است که ایران توسط دو ابر قدرت زمان در آستانه تجزیه قرار گرفته بود و وثوق الدوله آن قرارداد خائنه و استعماری را توسط انگلیسی ها در چند سال بعد پذیرفت. و بلاد عربی در سردرگمی و اضطراب به سر می بردند. برنده اصلی این بسازی استعمار اروپائی خصوصاً انگلیس بود.

در سال ۱۹۰۹ یک سال بعد از کودتای کمیته اتحاد و ترقی، سلطان عثمانی (عبدالحمید) در صدد کودتا (ضد کودتا) برآمد که با شکست روبرو شد و این بار نیز از حربه جهاد اسلامی استفاده کرد که موفق نگشت.

قصد آنها جلب قلوب مسلمانان کشورهای عربی بود. سران حکومت موقتی، علیرغم اختلافاتی که در بین آنها وجود داشت برای اینکه نارضایتی‌ها را کم کنند، دست به اصلاحات اقتصادی زدند. البته اصلاحاتی که اهداف سیاسی را در نهان باخود همراه داشت. و این درحالی بود که سلطان عثمانی و شیخ‌الاسلام (دو قدرت سیاسی و معنوی) عملاً عاری از نفوذ و قدرت شده بودند. - اصلاحات کمیته اتحاد و ترقی عبارت بود از:

- ۱- تأسیس مدارس جدید به سبک اروپا و فرستادن دانشجویان به آن دیار جهت تحصیل.
- ۲- توسعه و ترویج اندیشه ملی‌گرایانه (پان‌ترکیسم) در برابر وحدت اسلامی.
- ۳- تبلیغ جهت اقتباس کامل تمدن غربی.
- ۴- تبلیغ اندیشه جدایی دین از سیاست.

در این میان اوضاع بین‌المللی نیز در تقویت بنیه حکومت موقت کمیته اتحاد و ترقی بی‌تأثیر نبود. و درست در آن هنگام که ایادی کمیته دست به تبلیغ برای اخذ تمدن فرنگی زدند و مدارس و آموزشگاه‌های سنتی اسلامی را تحقیر می‌نمودند، استعمارگران نیز کشورهای عربی را جهت بدست آوردن استقلال و انفصال کامل از ترکان، تشویق می‌کردند، که نمونه بارز آن نقشه‌های لورنس عربستان و دخالت او در امور کشورهای عربی است که به نام رستاخیز اول در تاریخ معاصر خاورمیانه عربی معروف گردید.

در سال ۱۹۱۲ میلادی جنگی تمام عیار میان دولت عثمانی و مردم شبه جزیره بالکان به وقوع پیوست که به جنگ بالکان معروف شد. در این نبرد ترکان عثمانی پیروز شدند و این خود وسیله‌ای گردید جهت تبلیغ و استفاده سیاسی برای کمیته اتحاد و ترقی که به سرکوبی مخالفان در داخل پردازند.

۱۹- نقش امپریالیزم و صهیونیسم در به قدرت رساندن ترکان جوان:

کمیته اتحاد و ترقی که مرکز اصلی آن شهر سلانیک

در یونان بود، علیه حکومت استبدادی سلطان عبدالحمید مبارزه می‌کرد و طرفدار اعطای آزادی و اجرای قانون و نظام پارلمانی بود. در میان اعضای کمیته عوامل پشت پرده و نفوذی هم وجود داشتند که خواهان شکست مسلمین و سقوط دولت عثمانی بودند که در این میان یهودیان صهیونیست نیز نقش بسزائی داشتند. اگرچه هدف کمیته اتحاد و ترقی در آغاز مبارزه با استبداد تلقی شد، ولی زمینه را برای ایادی ماسونی و صهیونیستی کاملاً آماده ساخت. در واقع یهودیان صهیونیست که ترک زبان هم بودند در شهر سلانیک به ترکان جوان و حکومت موقت کمیته اتحاد و ترقی خط فکری و سیاسی می‌دادند وزیر پوشش روشنفکری و روشنگری نقشه‌های استعمار را پیاده می‌کردند.

در آستانه جنگ جهانی اول تبلیغ برای یهودیان از سوی استعمارگران بویژه انگلیس شروع شد، وقتی یهودیان ثروتمند در صدد برآمده بودند که سرزمین مقدس فلسطین را از حکومت وقت خریداری کنند، ترکان جوان و اعضای کمیته اتحاد و ترقی به جهت احساسات مذهبی مسلمین بخصوص اعراب ساکن فلسطین جرأت این کار را نداشته و به نمایندگان یهودیان در استانبول اجازه ملاقات ندادند.

۲۰- جنگ اول جهانی و پایان کار امپراطوری عثمانی: پس از تشکیل اتحاد و اتفاق مثلث شوم از سوی دول اروپا، در حقیقت همه زمینه‌های جنگ جهانی اول، فراهم شده بود. این جنگ (۱۹۱۴-۱۹۱۸) علاوه بر عوارض و عواقب زیانبار مالی و جانی، روند جریان‌های سیاسی را در اروپا و آسیا دگرگون ساخت.

در هنگامه جنگ کمیته اتحاد و ترقی و حکومت موقت به تصور اینکه امپراطوری آلمان در جنگ پیروز خواهد شد همگامی با آلمان را اعلام و با انگلیس و روسیه در تمامی جبهه‌ها به نبرد پرداخت. ولی شکست آلمان و تسلیم بدون قید و شرط در برابر انگلیس و متحدین آنها در نتیجه شکست دولت عثمانی هم بود. در این حال افسران حکومت وقت

خواهد بود. (توجه شود به اهداف عثمانیان جوان در صفحات قبل)

۲- تعطیل مدارس و حوزهای مذهبی و دینی و اعدام بیش از صد هزار تن از علما و طلاب مدارس و بستن کتابخانه‌های اسلامی و مراکز وعظ و تبلیغ مذهبی.

۳- پذیرش مبانی حقوق غرب به جای حقوق اسلامی و لغو کلیه دروس حقوق اسلامی در دانشکده حقوق.

۴- تغییر خط از عربی به لاتین که هدف نهایی از این عمل محروم ساختن نسل جوان از قرآن و معارف اسلامی بود.

۵- قطع رابطه با کشورهای اسلامی و پیوند با غرب.

۶- پذیرش روز یکشنبه بعنوان روز تعطیل به جای جمعه (معلوم نیست باعوض کردن روز رسمی و مقدس جمعه و قبول یکشنبه که تعطیل مسیحیان است ملت چه پیشرفتی می‌نماید).

۷- زدودن تاریخ اسلام از کتب دینی و درسی مدارس.

۸- اعلام حکومت جمهوری لائیک (غیردینی).

در این رابطه که چه عواملی سبب شد آتاتورک اقدام به اسلام‌زدایی در ترکیه بنماید پژوهشگران دلایل زیادی آورده‌اند که اهم آن عبارتند از:

۱- جنگ مستمر و فرسایشی امپراطوری عثمانی و تضعیف ارتش و کودتای ترکان جوان که زمینه را برای افسران کمیته اتحاد و ترقی و سرانجام برای آتاتورک فراهم نمود.

۲- القا و تحمیل این اندیشه باطل که علل نابسامانی دولت عثمانی ناشی از اسلامگرایی آنان است.

۳- کنار آمدن تاکتیکی و موضعی و موقت با ارامنه و شیعیان (دو اقلیتی که در دوره حکومت عثمانی‌ها ستم فراوان دیده بودند)

۴- رواج و تبلیغ ملی‌گرایی و پان‌ترکیسم در برابر اسلام.

۵- دادن امتیازات سیاسی و ارضی به کشورهای شبه جزیره بالکان.

۶- تبلیغات امپریالیسم فرهنگی برای تحکیم حکومت آتاتورک.

۷- عدم حضور یک سازمان دینی متشکل در ترکیه که بتواند در برابر بدعتهای آتاتورک مقاومت کند.

هم بدون قید و شرط تسلیم شدند و شکست دولت عثمانی را در جنگ پذیرفتند.

پس از جنگ جهانی اول، دولت عثمانی مجبور به پرداخت غرامت گردید و بدین ترتیب حیثیت و منزلت سیاسی و معنوی خود را به عنوان یک دولت اسلامی از دست داد.

در این میان مصطفی کمال پاشا که بعدها از طرف مجلس ملی ترکیه به عنوان آتاتورک لقب یافت دست به مبارزه علیه اشغالگران زد. این مبارزه حدود سه سال طول کشید و سرانجام با تشکیل کنگره میثاق ملی در سیواس و اعلام جمهوری ترکیه در سال ۲۳-۱۹۲۲، آخرین شانه‌های ظاهری و بی‌رمق امپراطوری عثمانی هم نابود شد.

آتاتورک و یارانش مانند عصمت اینونو Inönü با پذیرش عهدنامه استانبول در سال ۱۹۲۳ و عهدنامه رسای در ۱۹۲۴، از اعادگی حاکمیت جغرافیائی ارضی سیاسی بر کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا بالکان چشم پوشید و دوره جمهوری ترکیه در تاریخ ترکان آغاز شد، یعنی تجربه‌ای دیگر در غربگرایی.

۲۱- اسلام‌زدایی در ترکیه:
همراه با اعلان جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ و شناسائی این رژیم، توسط دول اروپائی برنامه‌هایی به بهانه اصلاحات اقتصادی، فرهنگی توسط آتاتورک در آن کشور پیاده شد. اگرچه این برنامه‌ها به ظاهر بازسازی یک کشور شکست خورده و آسیب دیده در جنگ بود که متحمل غرامتهای فراوانی گردیده بود، ولی در نهایت، هدف انقطاع کشورهای اسلامی از ترکیه و پیاده نمودن اهداف استعمار فرهنگی در آن کشور بود از طرفی ملت مسلمان ترک نیز در برابر ستم با رگی و نقشه‌های شوم اجانب ساکت ننشست و با اهداء بیش از یک میلیون قربانی به مقاومت پرداخت.

رئوس برنامه‌های آتاتورک که با زور و اجبار در ترکیه پیاده شد، به شرح ذیل است:

۱- تسلیم بی چون و چرا در برابر غرب و اینکه فقط با پذیرش کامل فرهنگ غربی امکان پیشرفت و ترقی ممکن

آتاتورک با اعلان تعطیل روز یکشنبه به جای جمعه، بستن مدارس علمی، اعدام علما و روحانیون و دانشمندان مسلمان، تغییر خط از عربی به لاتین و تغییر لباس سنتی، بزرگترین تحقیر و اهانت رابه ملت ترک روا داشت. و از سوی دیگر در برابر این هجوم بی امان دینی و فرهنگی، مردم مسلمان ترکیه- بویژه در شرق ترکیه- چندین بار علیه آتاتورک دست به قیام زدند که برخی از این قیامها را می‌توان نام برد:

۱- اولین قیام در سال ۱۹۲۷ توسط محمد عاکف آکسوی AKSOY شاعر مسلمان و انقلابی انجام پذیرفت.

۲- قیام شیخ سعید در شهر دپار یکر در سال ۱۹۳۱.

با مرگ آتاتورک در سال ۱۹۳۸، تا سال ۱۹۵۰ که روی کار آمدن حزب دمکرات در ترکیه می‌باشد اسلام‌زدائی به شدت هرچه تمامتر ادامه داشت. فقط سران حزب دمکرات مختصر گرایش به اسلام نشان داده و به مردم آزادی عبادت و مراسم دینی بطور محدود را دادند.

در همین سالهای ۱۹۵۰ یک جریان مذهبی قوی به نام نهضت شیخ سعید نورسی در ترکیه بوجود آمد که این حرکت دینی نورسی یا نورجو، Nourcoov هنوز هم در ترکیه ادامه دارد. جریان دیگر تأسیس حزب سلامت ملی توسط مهندس نجم‌الدین ارباکان است، این حزب با آنکه اکنون در ترکیه غیرقانونی اعلام شده، ولی طرفداران زیادی دارد.

علیرغم مبارزه دولت علیه اسلام و مسلمین و عدم عنایت به تبلیغات دینی، مردم مسلمان ترکیه در برابر غریزدگی به شدت مقاومت می‌نمایند. این مقاومت روز بروز وسیعتر، عمیقتر و گسترده‌تر می‌گردد که باید تفصیل آن را در تاریخ عثمانی و ترکیه جستجو کرد.

۲۲- حرف اول نه آخر!

خواهر و برادر مسلمان! این اوراق سرنوشت یک دولت اسلامی را نشان می‌دهد که سالیان دراز بر بسیاری از کشورهای اروپا حکومت راند و چندین بار از موضع قدرت از امپراطوری پروس (اثریش و آلمان) خراج و جزیه

گرفت و صدای الله اکبر لشکریانش پشت شاهان اروپا لرزاند.

حکومت عثمانیها اگرچه از نظر اندیشه اسلامی یک حکومت مطلوب و یا یک نظام مستحسن صددرصد اسلامی نبود، ولی همین دولت، زمانی در برابر تمامی مسیحیان اروپا مقاومت می‌کرد، که در آن زمان اسلام و مسیحیت مطرح بود، نه سلطان و پاپ. و اروپا یک هدف بیشت نداشت و آن محو اسلام بود که هنوز هم ادامه دارد.

در حقیقت می‌توان گفت در این زمان نیز همان هدف بشکلی دیگر علیه مسلمانان در جریان است.

اکنون چکمه‌های سنگین و دستهای خونین امپراطوری ضدانسانی کمونیستها در بلغارستان یوگسلاوی، روزگار مسلمانان باقی‌مانده از دوران حکومت امپراطوری عثمانی را به تباهی کشانده است: هرروز مسجدی ویران می‌شود. و هرچندگاه مسلمانانی به جر خواندن قرآنی به زندان روانه می‌گردند. و اخیراً مسلمانان از گذاشتن اسامی اسلامی و برقراری مراسم دینی ممنوع شده‌اند، برآستی بنگرید آن جنایت نظام سرمایه‌داری آمریکا و این جنایت امپراطوری ضدانسانی روسها کمونیست‌ها را.

ملت مسلمان ایران که بارها بر تارک تاریخ فرهنگ تمدن اسلامی درخشید این بار نیز با فریاد بیدارگری احیای اندیشه اسلامی پرچم مبارزه را بر دوش می‌کشند اکنون صدای احیای فرهنگ قرآنی و اسلامی از ایران عزیز تمامی شرق و غرب عالم بخصوص جهان اسلام فرا گرفته است. بی‌شک احیای مجدد قدرت مسلمانان، خطری است برای امپریالیسم شرق و غرب.

بدون تردید هرخونی که از جوانان مسلمان افغانستان یا قاهره یا لبنان و... بر زمین می‌ریزد و هرندای الله اکبری که هر فرد مسلمان با اخلاص سر می‌دهد جوانها و نشانه‌های آزادی خواهد بود.

غرب و شرق نمی‌دانند که اسلام آخرین دین و رسالت آن الهی و مؤید من‌عندالله است و به قول سید قطب حاکمیت و حکومت نهائی و جهانی از آن مسلمین است.

آینده، در دست اسلام و مسلمانان خواهد بود. به امید آن روز.

گزیده بعضی منابع دیگر جهت مطالعه در زمینه نهضت‌های اسلامی

- ۱- الگار، حامد: انقلاب اسلامی در ایران، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، ۱۳۶۰.
- ۲- اورگان، عمار: افضل الجهاد، ترجمه دکتر حسن حبیبی، تهران، ۱۳۹۸ ه. ق.
- ۳- آذری، سهیل: تاریخ امپراطوری عثمانی، تهران.
- ۴- دزارون، تیری: صدمیلیون عرب، ترجمه حسین مهری، تهران، انتشارات طوس، چاپ دوم، ۱۳۵۷.
- ۵- السمان، علی: روبروئی مسلکها و جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه عربی، ترجمه حمید نوحی، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۵۷.
- ۶- سبحانی، غلامعلی: حکم و حکومت در اسلام، تهران، ۱۳۵۸.
- ۷- شریعتی، علی: بازگشت به خویشتن، انتشارات حسینیة ارشاد.
- ۸- شریعتی، علی: تاریخ تمدن ج اول، تهران، ۱۳۵۹، حسینیة ارشاد.
- ۹- شریعتی، علی: چه باید کرد، تهران؟
- ۱۰- شریعتی، علی: ما و اقبال، تهران، حسینیة ارشاد.
- ۱۱- صدر، حسن: استعمار جدید، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۳، چاپ چهارم.
- ۱۲- صواف، محمد محمود، نقش‌های استعمار در راه مبارزه با اسلام، ترجمه سیدجواد هشترودی
- ۱۳- عنایت، حمید: اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، تهران، انتشارات خوارزمی.
- ۱۴- عنایت، حمید: سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- ۱۵- عنایت، حمید: اسلام و سوسیالیسم در مصر، تهران، ۱۳۵۰.
- ۱۶- عاطف، سمیع: ریشه‌های ضعف و عقب افتادگی مسلمین، ترجمه محمود رجیبی، قم انتشارات هجرت، چاپ اول ۱۳۹۸ ه. ق.
- ۱۷- طباطبائی، محمد (محیط): نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، ۱۳۵۰.
- ۱۸- الطویل، توفیق: الفکر الدینی الاسلامی فی العالم العربی، بیروت، ۱۹۶۷.
- ۱۹- طباطبائی (سیدمصطفی حسینی): شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، تهران ۱۳۴۷.
- ۲۰- عزیز احمد: نهضت بیدارگری در جهان اسلام، تهران، ۱۳۶۲.
- ۲۱- فایض، سابق: مسائل خاورمیانه، ترجمه عبدالله گلمداری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۲.
- ۲۲- الکوکی، عبدالرحمن: ام‌القری، قاهره، بدون تاریخ.
- ۲۳- کیمچ، جان: دومین رستاخیز عرب، ترجمه رحمت‌الله صالحی، تهران؟

- ۲۴- گارده، لویی: اسلام دین و امت، ترجمه مهندس رضا مشایخی، تهران، ۱۳۵۲.
- ۲۵- لوتسکی، لئون: تاریخ عرب در قرون جدید، ترجمه پرویز بسایانی، تهران، انتشارات چاپار، ۱۳۴۹.
- ۲۶- منیر شفیق: اسلام رودرروی انحطاط معاصر، ترجمه غلامحسین موسوی، قم مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نهضت جهانی اسلام.
- ۲۷- مطهری، مرتضی، (آیتالله شهید): نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، چاپ‌های متعدد.
- ۲۸- مطهری، مرتضی، (آیتالله شهید): پیرامون انقلاب اسلامی، قم.
- ۲۹- مکارم شیرازی، ناصر: اسرار عقب ماندگی شرق، قم، انتشارات نسل جوان.
- ۳۰- مصاحب، غلامحسین: دائرةالمعارف، ج اول و دوم.
- ۳۱- نجاتی، غلامرضا: جنبش‌های ملی مصر از محمدعلی تا جمال عبدالناصر، تهران.
- ۳۲- نقوی، محمدعلی: جامعه‌شناسی غربگرایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- ۳۳- هاشمی رفسنجانی، اکبر: کارنامه سیاه استعمار، قم، ۱۳۸۳ ه. ق.
- ۳۴- همفر: خاطرات همفر، ترجمه دکتر محسن مؤیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- ۳۵- کتابها و مقالات زیادی به ترکی عثمانی و استانبولی. چون دسترسی به آنان برای خوانندگان فارسی زبان ممکن نیست لذا از ذکر نام آنان خودداری می‌شود.

یادداشتها

- ۱- فواد کوپرولو، تاسیس امپراطوری عثمانی، ج اول، استانبول. از ذکر مشخصات کتاب به ترکی استانبولی خودداری می‌شود.
 - ۲- اوزون چارشی لی، تاریخ امپراطوری عثمانی، استانبول، ج سوم، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه سهیل آذری.
 - ۳- احمد راسم، تاریخ عثمانی، استانبول (چاپ قدیم)، ج دوم قسمت مربوط به فتح استانبول.
- ξ - Muzehar Sancar- Osman- Toplan Yapisi, Istanbul, 1976,
- الته مؤلف در بحث ساخت اداری و سیاسی حکومت عثمانی ها دچار اشتباهات زیادی شده است.
- δ - M.Gokbi gin: Osman, medeniyeti- Teekilati, Istanbul, 1944, B.S.Kutukoglo: Osman I Safavi, Siyasi Mune- ebe eri, M. Aktepe: Patrona Ha isyani, Istanbul, 1967, S.K. Rouhani, Osman I Safevi Es Teekilat, Doktora Tezi, Istanbul, 1977

و کتاب شعر و ادب فارسی در آسهای صغیر تألیف خسروشاهی و کتاب تاریخ امپراطوری عثمانی و اسناد آرشیو دولتی ترکیه بنام: Celal isyan

محمد مهدی جعفری، تهران، ۱۳۷۲ و نیز تاریخ امپراطوری عثمانی ترجمه سهیل آذری.

۱۵- جودت پاشا، تاریخ جودت، استانبول، مطبعه عثمانیه، ۱۳۰۳.

۱۶- یوسف آق چورا، امپراطوری عثمانی در عصر انحطاط. آنکارا، ۱۹۸۵.

۱۷- نوئل باربر، فرمانروایان شاخ زرین (از سلیمان قانونی تا آتا تورک) ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۴، بخش دوم از ص ۱۰۹ به بعد.

۱۸- حمید عنایت: سیر اندیشه سیاسی عرب، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۶.

۱۹- ییلماز اوزتونا، تاریخ مصور ترکیه، انتشارات حیات، استانبول، ۱۹۷۰، ص ۲۱۷ به بعد.

۲۰- بروکلان، تاریخ ملل و دول اسلامی، ترجمه هادی جزایری، تهران، ۱۳۴۶، فصل دوم از قسمت سوم، صفحات ۳۶۵-۴۷۸.

۲۱- وین ووسینج، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه سهیل آذری، تبریز، قسمت اصلاحات و غربگرایی، صفحات ۹۷-۱۳۰.

۲۲- لیتل فیلد، تاریخ اروپا، ترجمه فریده قره‌چهداغی (صحیحی) تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱، فصل یازدهم: صفحات ۱۴۳-۱۵۱.

۶- نگاه کنید به تاریخ مغول در ایران، تألیف عباس اقبال، چاپ امیر کبیر و نیز کتاب تاریخ مغول در ایران، تألیف اشپولر، ترجمه محمود میر آفتاب، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱، بخش تاریخ سیاسی، ص ۱۴۳-۲۳.

۷- عبدالرحیم غنیمه، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، تهران، انتشارات یزدان، فصل دوم، ص ۶۱-۸۳.

۸- Prof. I. Gokbi gin, Osman Tasra te Kilati Istanbul, 1976, s. IS.

۹- اسناد و آرشیو ملی ترکیه در استانبول: قسمت ایالات بلغارستان، یونان، صربستان و غیره.

۱۰- مصطفی آق‌داغ، تاریخ اجتماعی و اقتصادی ترکیه، ج اول، استانبول.

۱۱- پورگنشل هامر، تاریخ عثمانی (چاپ قدیم) قسمت مربوط به قیامهای آناتولی.

۱۲- منیر آق‌تپه، قیام پاترونا خلیل، چاپ دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول.

۱۳- محمد جودت، تاریخ عثمانی، چاپ استانبول، بروکلان. تاریخ دول و ملل اسلامی ترجمه هادی جزایری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۴- عزیز احمد و دیگران، نهضت بیدارگری در جهان اسلام، ترجمه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

